روزنامهٔ رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل : متن قوانین - تصویبنامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی
اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخشنامه ها - آگهی های رسمی وقانونی سؤالات -

شماره تلفن : ۸۸۹۴-۸۸۹۵ - ۸۸۹۶-۵۴۴۸

سال چهارم - شماره ۱۱۰۴ | مدیر: سید محمد هاشمی | ۳ شنبه ۹ آذر ماه ۱۳۲۷

صفحه ۳۷۱۳

دوره پانزدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۶۴۲

مذاکرات مجلس

بقیه جلسه ۱۲۱

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز ۴ شنبه سوم آذر ماه ۱۳۲۷

فهرست مطالب :

۱ - بقیه مذاکره در برنامه دولت .
۲ - تعطیل جلسه بعنوان تنفس

مجلس یکساعت قبل ازظهر بعنوان بعد ازتنفس بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

۱- بقیه مذاکره دربرنامه دولت

رئیس - جلسه قبل بعنوان تنفس ختم شد و صورت مجلس نداریم آقای مهندس رضوی بقیه بیانات خودشانرا ادامه میدهند .

مهندس رضوی - اولا وظیفهٔ خودم میدانم که این جا از کسانی که در ظرف کمتر از ۲۴ ساعت گذشته باتلفنهای متعدد یاحضوراً ودر مخارج ازمجلس ملت ایران مرا تقویت کرد و در واقع همه نمایندگان مجلس را دربارهٔ حفظ حقوق مملکت تقویت کردند تشکر کنم . درمورد جرائدهم ممنون هستم که دوروزنامهٔ عصر روزنامهٔ اطلاعات وروزنامهٔ کیهان قسمت عمده‌ای ازمطالب بنده را منتشر کردند ولی قسمت‌های عمدهٔ دیگری را هم بکلی حذف نموده بودند یعنی طبیعهٔ حذف شده بود ازقلم تند نویسان آقایان ودر بعضی اقلام وبعضی مطالب هم اشتباهاتی رود که آنهم بنظر بنده طبیعی است چونکه عرایض ومطالب من دریك قسمتش طوری بود که طبعاً به بعضی اشتباهات عددی برای کسی که میخواهد یادداشت بگیرد برمیخورد . بهرحال امیدوارم دراین زمینه اگر روزی لازم شد ، عرض نمیکنم تمام متن عرایض بنده را ، ولی آنچه قسمت‌های لازم و مفید بحال ملت میدانند همه آقایان ارباب جرایداز نظر وظیفه ملی که دارند منتشر بکنند اما ابتدا عرض میکنم در خصوص شیلات چون در روزنامهٔ اطلاعات نوشته شده بود که من فقط بقسمت خاویار توجه دارم ، بایدعرض بکنم که اعتراض من بتمام قسمت‌های آن بوده منتهی خاویار بیشتر جلب نظر می کرد . چنانکه ملاحظه فرمودید در تمام بحبوحهٔ جنك قیمت آن بین ۲۰ ریال واخیراً به ۹۰ ریال تقلیل یافته بود واخیراً طبق محاسبه‌ای که من کردم وهنوز هم تعیین نشده اگر قلمی که در سالنامهٔ گمرك منتشر شده است درست باشد یکمرتبه این مبلغ را به ۲۸ تومان ترقی دادند بنابر این بطورکلی راجع بتمام کالاهائی که شرکت شیلات بدست میآورد یعنی ماهی و خاویار و یك قلمی هم بنام سایر محصولات دارد که بنده ندانستم چیست ، باید بنابر همان شرایطی که در قرارداد آنها هست وتوجه دولت را جلب کردم بهترین قیمت را از بازار آزاد بدست بیاورند وطبق همان شرایط و شرافتمندانه بفروشند (صحیح است) مطلب دیگر اینست که در شرکت شیلات ما همیشه سه‌نفر نماینده داریم ومن عرض کردم که اینطور فکر میکنم که این آقایان نمایندگان وظیفهٔ خودشانرا خوب انجام نداده اند ، بهر حال طبق قرارداد رئیس این هیئت مدیره هم بایدایرانی باشد (صحیح است) چون در ۱۳۰۶ این قرارداد بتصویب مجلس شورایملی رسیده فکرمیکنم هنوزقانون تجارت درایران انشا نشده بود . منظور از رئیس هیئت هم البته کسی است که مؤثر است در هیئت یعنی مدیر عامل است و منظورهم اسمش نبود بلکه منظور قرار داد کنندگان این بود که شرکت شیلات بدست یك مدیر ایرانی اداره بشود (صحیح است) و این هم تا امروز در تمام دوره عملی نشده است این را هم البته بایستی تذکر میدادند پس در این زمینه بنده چون در روزنامه چیزی ندیدم ولی آنروز عرض کردم و در تندنویسی هست که در این زمینه جدا اقدام دولت را خواستارم و منتظر هستم ببینم نتیجه اقدام دولت در این زمینه چه می شود و خساراتی که از طرف این مؤسسه بایران وارد شده بما داده شده یانه (صحیح است)اما در قسمت شرکت نفت آنچه تاکنون عرض کردم تقریباً معلوم کرد که دولت باید دواقدام را در طلیعه سایر اقدامات خودش قرار بدهد یعنی بنظر بنده چون وظیفه وکالت وظیفه مشورت و وظیفه نمایندگی ملت ایران است این است که آنچه صلاح میداند بگوید حالا این نظررا دولت میتواند بادلایل رد بکند یا اینکه قطعاً

روزنامهٔ یومیه

فهرست مندرجات

۱ - صورت مشروح مذاکرات صدوبیست ویکمین جلسه دورهٔ پانزدهم از صفحهٔ ۱ تا ۱۰
۳ - آگهی های رسمی « ۱۱

* عین مذاکرات مشروح یکصدوبیست ویکمین جلسه از پانزدهمین دورهٔ قانونگذاری

توجه بکند و عمل بکند .اول این که باید بفوریت رسیدگی بشود بحسابهای گذشته شرکت نفت و رسیدگی بشود که این اقلام و ارقام که بنام عواید شرکت هر ساله منتشر شده است آیا حقیقتی است و صحت دارد و یا آن طوریکه ما میدانیم و مطلعیم بدلیل آنکه اغلب منافع شرکت در راه شرکت های تابعه مصرف شده و از بیلان شرکت اصلی بزیان ملت ایران کسر شده و از این حیث محاسباتی بعمل آمده این قسمت را باید دولت رسیدگی کند و بنظر بنده با اینکه ما حسابدارهای بسیار خوب داریم و حسابدارهای بسیار درست و امین هم در مملکت ما پیدا میشوند که کمتر مورد اعتنا هستند معذلك برای کمك بآنها اگر لازم باشد دولت میتواند از ممالك بی طرف مانند سویس یا نظیر آن یك یا دو نفر حسابدار ژوره یعنی حسابدارهای سوگند خورده که در تمام دنیا هستند آنها را انتخاب بکند و مأمور بکند که این مطلب را روشن بکنند و رسیدگی بکنند البته اگر این مأمورین را استخدام کردند باید بمیت چندنفر ایرانی صحیح العمل و درست و کاردان باشد این در یك قسمت قسمت دیگر این است که تعبیرات سوئی که ازقرار داد در تمام این مدت شده ازقبیل مأخذ قراردادن قیمت طلا در اندن که دیروز بعرض آقایان رسانیدم و خاطر آقایان را مستحضر داشتم که در تمام این مدت نرخ طلا در اندن مأخذ محاسبه بوده است البته باید اینرا شرکت قبول کند برای اینکه در مقابلش حرف منطقی ندارد و نمایندگان ایران هم باید باحساب و منطق نشان بدهند و این خسارت ما را هم باید رفع بکنند یعنی باید عین درآمدی که هست بما بدهند و حسابی که باید برای ما بکنند باید از روی حساب تناسب طلا باشد ولی بقیمت طلای آزاد در دنیا یعنی آنچا که قیمت طلا را هر قدر معین کردند اگر آدم آن قیمت را داد طلا میدهند حساب بکنند (صحیح است) باید این قیمت را بدست بیاورند و روی آن عمل بکنند در اینصورت همین قرار داد و همین شرایط مالی هم با تمام نواقص و معایبی که دارد خسارت ما را جبران خواهد کرد ولی البته کافی نخواهد بود اقدام اول دولت که در این زمینه بنظر بنده میرسد این بود اما اقدام دوم که باید توأم با این اقدام باشد دولت باید باتوجه باین ارقام و اعداد و محاسبات که جزئی از آنرا بنده بعرض رساندم و خیلی کاملتر و عمیق تر همیشه در دسترس دولت بوده و هست باید با توجه باین حقایق هرچه زودتر خاتمه باین وضعیت بدهند باید تکلیف مملکت را ازاین حیث روشن بکنند و اگر شرایط بهتر و دنیاپسند و عادلانه ای از طرف شرکت فعلی و یا هر شرکت دیگری بایران پیشنهاد شد باید این شرایط را مأخذ عمل آینده مملکت قرار بدهند بنده یکنفر وکیل مجلس ایران هستم ایران هم یك مملکت قدیم و شریف و نجیب است ولی نمیتوانم عرض کنم یك مملکت قوی است دولت انگلستان یك مملکت بسیار قوی بود امروز هم که بواسطه تدبیر وعقل و دانائی که در آن مملکت هست بازهم به نسبت آنکه صدمه خورده است قوی مانده است ولی میتوانم از اینجا به نمایندگان محلس عوام انگلستان خطاب بکنم که اگر یکنفر فقط یکنفر نماینده مجلس عوام انگلستان ادعا کرد رسماً در پارلمان انگلستان که تجدید قرارداد دارسی در شرایط عادی بعمل آمده و طرفین درشرایط آزاد عمل کرده اند من مطالب خودم را پس میگیرم زیرا اگر چنین نماینده ای این مطلب را در پارلمان انگلستان بیان کند یقین دارم بشرافتی که همه ملت انگلستان بآن پایبند هستند سوابق و مقدمات حکومت های ایران و مطالبی را که من میل ندارم سریوش از آنها بردارم در نظر خواهد گرفت من خودم یکسال در انگلستان زندگانی کرده ام ملت انگلستان را نمیتوانم عرض بکنم از خیلی نزدیك می شناسم برای اینکه چند ماهی در کارخانجات انگلستان کار میکردم بروحیه آنها آشنا شدم من ملت انگلیس را مردمان با شرافتی میدانم بنا بر این نمایندگان ملت هم هر کسی باشد در پارلمان انگلستان من آنها را شرافتمند میدانم و ازاینجا بنام یکنفر نماینده ملت ایران و اگر اجازه بفرمائید بنام مجلس ایران (عموم نمایندگان ـ صحیح است ـ صحیح است) از مجلس عوام انگلستان خواهش میکنم که اینموضوع را با نظر منصفانه و عادلانه توجه بکنند و نه تنها خسارت این اهانتی که بر ما وارد می شود رفع کنند بلکه بااین اقدام شرافتی را هم که همیشه مدعی آن بوده اند و مامیل داریم که این شرافت را برای آنها بشناسیم آنراهم واقعاً یا برجا بکنند (نمایندگان ـ صحیح است) زیرا قابل قبول نیست که یك دولت قوی ، یك ملت قوی نسبت بما این رفتار واین عمل اقتصادی عجیب را که حقیقة در دنیا فعلا نظیر ندارد بعمل بیاورد البته هم بنده و هم تمام مجلس ایران منتظر است که عکس العمل توجه واحقاق حقی که از آنطرف باید بما برسد هرچه زودتر عملا برای ما محسوس شود بنده دیروز راجع به ونزوئلا که عرض کردم ، عرض کردم که یك کشور کوچکی است ولی برای اینکه آقایان توجه داشته باشند یکی از آقایان نمایندگان محترم دیروز بنده را متذکر کردند ونزوئلا نصف مملکت ایران است جمعیت ونزوئلا چهار میلیون است آقا آنچه را که جمعیت چهار میلیونی ونزوئلا بتواند برای حفظ منابع ثروت خویش بکند ملت ۱۵ یا ۱۸ میلیونی ایران با آن سوابق تاریخی و با آن اهمیتی که از نظر خدمت بعلوم وادبیات در جهان دارد نمیتواند انجام بدهد ؟ من در انگلستان بودم که سنای انگلستان برای هزارمین سال فردوسی جشن گرفت البته آقایان میدانند که سنای انگلستان مجلس اشراف آن مملکت است ومجلس اشراف و اعیان مملکت انگلستان توجهش بادبیات ومخصوصا نماینده ایرانیت یعنی فردوسی برای ما اسباب شرف و آبرواست ، اما میخواهم عرض بکنم که ما توقع داریم قبل از آنکه تجدید توجه وتقدیر بادبا وبزرگان و حکمای ایران بکنند توجهی بوضع رفتار معاملاتی واقتصادی خودشان با مملکت ما بکنند ونتیجهٔ آنرا ببینیم ، در آنصورت توجه آنها را بادبیات وحکمت وفلسفهٔ ایران بهتر تقدیر وتقدیس خواهیم کرد بنده نمیخواهم وارد یك محاسبه دیگری بشوم و ذهن آقایان هم کم کم خسته شده است میخواهم عرض کنم که خیلی از مطالب را هم بنده در اینجا نگفتم من جمله راجع بموضوع رفتار شرکت نفت ایران و انگلیس با دولت انگلیس ، بدیهی است که طبق اطلاعات لااقل پنجاه وشش در صد ازسهام شرکت متعلق بدولت انگلستان است وبر آقایان پوشیده نیست که صاحب ۵۶ درصد ازسهام هرشرکت یعنی دارندهٔ هیئت مدیره آن شرکت ، یعنی مدیر آن شرکت ، آنچه ما اطلاع داریم قراردادی که برای فروش مواد سوخت با بحریهٔ انگلیس بسته شده است یك قراردادی است که در آن باز یك رقم موهومی مأخذ عمل قرار گرفته یعنی امروز یك تن نفت خام در دنیا بین ۵ و ۱۰ لیره قیمت دارد وآنچه بنده شنیده ام کمتر از دو لیره در آنجا حساب می شود ، درست توجه بفرمائید باین قرار محاسبات از جریان عادلانه وحقیقی خودشان منحرف میشوند بهتر است که در این زمینه دیگر بعدد ورقم متوسل نشوم ، وباز برای آنکه سوء تفاهمی نباشد دیروز دیدم در یکی از جرائد نوشته بودند که من دوهزار مرتبه استخراج نفت را در ایران ارزانتر از سایر نقاط معرفی کردم باید عرض کنم که من گفتم از یك چاه بنا بر اعتراف رئیس هیئت مدیره شرکت آنقدر نفت استخراج میشود که باید دوهزار چاه در امریکا برای این کار اختصاص داد ولی نتیجه فنیش این نیست که حقیقة دو هزار مرتبه هم ارزانتر تمام بشود ، واین چون ممکن بود اغراق تلقی بشود وحال آنکه سایر عرایض من همه مستند بود خواستم عرض بکنم ودیروز هم عرض کردم که اگر بحساب فنی هم رسیدگی کنند تأثیر عمیقی در ارزان تمام کردن نفت برای شرکت دارد و شاید در این قسمت استخراج از خود چاه لااقل صد مرتبه ارزانتر تمام بشود البته بقیهٔ عملیات و تصفیه واین قبیل چیز ها مطالب دیگری است و چونکه موضوع تمام شدن قیمت نفت برای شرکت مطرح است باید عرض کنم دستمزدی هم که شرکت در ایران ازآن استفاده میکند یکی از هدایا و مزایائی است که بضرر ملت ایران و بنفع خودش بشکل عجیبی موردبهره برداری قرار میدهد، آقایان میدانند که سالها است برای آبادی خوزستان صحبت میشود ما که مکرر شنیده ایم این صحبت را وحتی در زمان اعلیحضرت فقیدهم در این زمینه اقداماتی شد و از راه زراعت و کشاورزی در آنجا شرکتی تأسیس شد ویکی ازاشخاصی که در انجا زحمت کشید و کار کرد و پای او در این راه رفت یعنی ناقص شد مهندس ابراهیم مهدوی است (صحیح است) اتفاقاً همان کسی بود که برای آنکه باو کار ندهند خیلی ترتیبات داده شد بهر حال کاری ندارم ممکن است یك خانواده ای چند برادر باشند و ممکن است تمام برادران هم متعادل نباشند ولی وقتی یك فردی خدمتگزار مملکت شد وصمیمی شد ودرست شد جامعه ای که میخواهد رشد کند باید باو توجه بکند (صحیح است) بهرحال چون بحث از خوزستان پیش آمد عرض کردم که سالها است ما میشنویم که باید در آنجا آبادی بشود عمران بشود ولی اثری نمی بینیم و گفته میشود که در این زمینه یك سیاستی هست بنده خیلی معتقد باین قبیل سیاست ها نیستم یعنی عقیده ندارم که برای اشخاص قوی تفوه باینمطالب هم صحیح باشد ولی وقتی که یك مطلبی عملا و در طی سالها بعرصه ظهور رسید ناچار باید اعتراف کرد که در این احتمالات یك حقیقتی هست این حقیقت هم آقا اگر نتیجه ای داشته باشد همین است که در خوزستان آبادی نباشد جمعیت متوجه سایر کار ها نباشند وهر کسی در خوزستان هست برای سد رمق و سد جوع

پناه بشرکت نفت ببرد و با ارزان ترین قیمت مختصر انرژی که در نتیجه زندگی فلاکت بار این مملکت برای او باقی مانده است باختیار آن شرکت بگذارد (صحیح است) با این ترتیب تصدیق میفرمائید که لطائف الحیل آن شرکت در امر اداره استخراج نفت ایران خیلی دور از کسی است که بخواهد با حسن نیت یك قرار دادی را در یکمملکت دوست انجام بدهد و چون ما همیشه دوست بوده ایم با آن مملکت و امیدواریم که این دوستی را همیشه محفوظ بداریم همیشه از آنمملکت گله میکنیم و گذشته از گله حتی شکایت زیاد داریم دولت ایران باید ازراه مستقیم و درمدت خیلی محدود بنتیجه قطعی برسد باید از کرسی های بین المللی اینمطالب را باطلاع تمام دنیا برساند تمام دنیا امروز مجهز هستند که در این قبیل مواقع بحقوق ملل ضعیف کمك بکنند (صحیح است) وشما بدانید که مملکت ایران با آن سابقه تاریخی و با آن کمکی که بنشر تمدن دنیا کرده است و برواج تمدن کرده است یك مملکت ضعیف نیست یك مملکتی است که از نظر معنوی در دنیا قوت دارد از نظر مادی هم ما نشان خواهیم داد که میتوانیم لااقل حقوق خودمان را محفوظ بداریم در موضوع توزیع نفت در داخله اولا در طهران که بهترین نقاط است و آبرومندانه ترین محل اقدام شرکت است آقایان ملاحظه فرموده اند که درجلوی این تلمبه های بنزین هر روز و هر ساعت چند اتومبیل و اتوبوس ایستاده است آیا تصور می فرمائید اگر شرکت بخواهد مجموع تلمبه های تهران را یکمرتبه بصد برساند اشکالی داشته باشد آیا این یك خرج عجیبی برای شرکت است آیا در آمدی که درهمان ماه اول برای شرکت حاصل میشود کفاف تمام این هزینه را نخواهد داد تازه دو روز قبل شنیدم که همین نفتی که فعلا عادت شده در طهران بعنوان سوخت مردم مصرف میکنند برای گرم کردن اطاقهایشان این هم در تمام شعب طهران باندازهٔ کافی موجود نیست این وضع تهران است حالا آقایان به بینید وضع سایر نقاط که در آنجا بازار سیاه برای نفت ایجاد میشود و در این زمینه بعضی از مامورین ایرانی هم در آن سهیم هستند و بعضی از آنها را بنده میشناسم چطور میشود ولی البته خود شرکت در درجه اول مسئول این کار است در بعضی جاها وضع طوریست که حقیقة باید عرض کنم تاسف آور است در موضوع کرمان شرکت مدتی مطالعه کرده است که از بندعباس استفاده بیشتری برای وارد کردن کشتی های نفت کش بکند بندرعباس بطوریکه آقایان محترم میدانند از نظر دریائی بندر خیلی خوبی نیست باینمعنی که قسمت اسکله بندر بواسطه امواجی که شن می آورد، شن میگیرد و در واقع برای پاك کردن آن مخارج مخصوص و وسائل فنی میخواهد نتیجه این میشود که کشتیها دور از بندر می ایستند حالاهم شرکت نفت کشتی های نفت کش را دور از بندر نگهمیدارد و بعد بوسیله بشکه در کرجیها نفت را میرساند به بندر . البته در این قسمت اشکالات خیلی زیادی نیست ولی گاهی میگویند که ما در این دفعه یك مقداری تلفات دادیم تلفات فردی را عرض نمیکنم چون اصلا مورد اهمیت آنها نیست و الحمدالله این تلفات هم وجود ندارد تلفات بشکه ای هست که آنهم چیزی نیست شاید در هزار بشکه که حمل و نقل میکنند یك بشکه هم از بین نرود ولی بهرحال یك نقطه ای در چهار کیلو متری بندر هست و مطالعه شده است که در آنجا یك اسکله ای با خرج کم میشود ساخت دو پروژه مختلف در این زمینه تهیه شده است یکی با خرج چهار میلیون لیره و یکی یا اصد ششصد هزار لیره که البته پروژه دوم بهتر است چون ظاهراً این قسمت از مخارج اگر عملی بشود این وضع فعلی که با بشکه حمل و نقل میکنند عوض میشود و آنها هم حرفی ندارند اما من باز نظر جناب آقای وزیر دارائی را بیك نکته مهم جلب میکنم و آن اینست که شرکت که بهرحال و بهرصورت مواد سوخت خودش را بخاك بندر عباس وارد میکند می تواند و باید بوسیله نفت کشهای سنگین نفت ومواد سوختنی مخصوص نفت وبنزین و نفت دیزل و کوره را در تمام استان کرمان بی ظرف باختیار مردم و بمعرض فروش بگذارد . در این زمینه نمایندگان کرمان به بنده مأموریت دادند که از دولت جناب آقای ساعد تقاضا بکنم نه تنها اقدام فوری بمعنای دولتی یعنی شاید در ظرف یکهفته دو هفته بلکه امیدواریم آقای گلشائیان شاید بتوانند قبل ازاینکه برنامه دولت تمام شده باشد بما اطلاع بدهند که چه نتیجه ای از مذاکرات خودشان در این زمینه خواهند گرفت و چون سابقه ممتدی در این مذاکره هست باید عرض بکنم که زمینه اقدام ایشان فراهم است و اگر ایشان قبول بکنند بهانه ای را که ممکن است برای عدم عبور نفت کش باطلاع ایشان برسانند با اینحال هیچ چاره ای نیست برای شرکت نفت جز اینکه نفت و بنزین را بکرمان برساند و باید هم برساند در موقعی هم که مذاکره ما ادامه داشت با اداره امتیازات بالاخره آنطور که شنیدم شرکت نفت هم موافقت کرد تخفیفی برای قیمت نفت در کرمان به مقدار نسبتاً محسوسی بدهد ولی اداره امتیازات نفت این موضوع را هم ظاهراً جزء مصالح مملکت تشخیص ندادند و یا اگر تشخیص دادند دنبال نکردند و به نتیجه نرساندند حالا باز هم در این قسمت بطوریکه آقای دکتر بقائی بمن یادآوری کردند و طبق حسابی که ایشان کرده اند تنها تفاوت بهائی که برای نفت مردم فقیر کرمان میدهند دومیلیون تومان در سال است شما ملاحظه بفرمائید که دو میلیون تومان در سال وقتی که بافراد فقیر باید تحمیل بشود چه تأثیری برای خانواده های آنها دارد ؟ (صحیح است) ولی بنده این راهم باید عرض کنم که آنچه که اینجا صحبت میکنم نه برای اینست که ما یك ملت فقیری هستیم وضعیف هستیم و مردمان ما چون چیزی ندارند شرکت نفت باید بهتر از این با ما رفتار بکند ، بلکه اگر در تمام خانواده های ایرانی هم بساط عیشی برپا باشد باید از نفتی که ازشکم خاك ایران خارج میشود طبق اصول دنیائی حق قانونی و عادلانه مارا بدهند (عموم نمایندگان ـ صحیح است) و در غیر اینصورت برای ما تحمل پذیر نیست (عموم نمایندگان ـ صحیح است) در موضوع اجرای قرارداد فعلی که نکاتی از آنرا بعرض آقایان رسانیدم عرض میکنم که گله ما و در وهله اول خود بنده ازمجریان ایرانی این قرار داد است از کسانی است که یا در تهران یا در لندن مسئول این کار بودند چون هیچگونه اطلاعی ازاین امور بمانمیدهند وملت ایران بی اطلاع است ، اگر در بین آنها کسانی باشند که خدماتی در این زمینه بملت ایران کرده باشند آنروزی که شناخته بشوند ما از آنها تقدیر میکنیم ولی آن مأمورینی که باوجود قبول مسئولیت و استفاده ازمزایای این مأموریتها اقدامی به نفع ایران نکرده اند یك روزی دولت و ملت ایران آنها را تحت تعقیب قرار خواهد داد ، بنده هر چند یك محاسبه ای داشتم و میخواستم بعرضتان برسانم ولی فقط نتیجه اش را بعرضتان میرسانم طبق حسابی که بنده کرده ام اگر صحیح باشد عوائدی را که ما باید باهمین شرایط فعلی و همین قرارداد فعلی از شرکت نفت حاصل کنیم بجای هفت میلیون لیره ارسی میلیون لیره هم متجاوز باید باشد (عموم نمایندگان ـ صحیح است) اکنون که بنده ۳ مورد از خساراتی که بمملکت ایران وارد شده است بحث کردم میخواهم عرض کنم تصور نفرمائید که ملت ایران ودولت ایران در نتیجه گذشت درمصالح خودش دوستی طرف مقابل را جلب میکند هر ملتی که از حقوق حقه خودش دفاع نکند غیر از تحقیر درعالم بین الملل چیزی برای او نیست (نمایندگان ـ صحیح است) هیچ مملکتی با مملکت دیگر باین دلیل که از حقوق حقه خودش صرفنظر کرده دوست نمیشود! (صحیح است) شما الان ببینید که بعد از جنك و تحولات عجیب بین انگلستان و امریکا چه روابطی هست بروید بپرسید، ببینید ـ بپرسید آنچه مقرر بین آنها هست آیا یك سانتیم ، یکدینار ممکن است یکی از آنها حق خودش را بگذارد پایمال بشود در عین حال نهایت دوستی را هم با هم دارند . آقایان در مقابل سستی توقع دوستی نداشته باشید! شما آقای ساعد آقای حکمت وزیر خارجه . آقای گلشائیان وزیر دارائی با استفاده از اوضاع بین الملل با استفاده از این روحیهٔ که امروز در دنیای بعد از جنك هم هست و خدای نکرده ممکن است فردا هم یك جنك دیگری در پیش باشد باهمین فرصت های کمی که در دست دارید میتوانید از این اوضاع بسیار مساعد استفاده بکنید و حقوق ایران رابحد اکمل تحصیل و تأمین کنید (عموم نمایندگان ـ صحیح است) اگر بچنین اقداماتی دست بزنید در این زمینه از پشتیبانی تمام ملت ایران برخوردار هستید (عموم نمایندگان ـ صحیح است) اما اگر خدای نکرده بخواهید با اقدامات نیمه کاره و سست این فرصت بین المللی هم از ایران سلب شود یعنی عرض نمیکنم عامداً حتی سهواً هم بخواهید این کار را بکنید این آنچنان گناهی خواهد بود که تاریخ هرگز بر شما نخواهد بخشید(عموم نمایندگان ـ صحیح است) بااقدام قوی و شدید و اکید بکنید و یا قلم را در قلمدان بگذارید و بمنزل تشریف ببرید ما از اقدامات دولتها در این زمینه ها هیچوقت مطلع نمیشویم ، آقایان در مملکت ما غالباً یك پرده ای روی عملیات دولت در حفظ حقوق مملکت کشیده میشود ماهیچوقت عقیده نداریم که همه وزرای ایران همه روسای ایران . همه اولیای ایران خلاف صداقت رفتار کرده اند بلکه من اینجا درپشت این تریبون مجلس ادعا میکنم که کمتر مملکتی است که عده خائنین آن بنسبت جمعیتش قلیل تر از ایران باشد (نمایندگان ـ صحیح است) در ایران خائن بتمام معنی بسیار بسیار کم است ولی مستضعف زیاد داریم در ایران کسانیکه می گویند اگر اسم منافع خودمان

را ببریم اینطرف میرنجد . آنطرف میرنجد زیاد است (صحیح است) من نمی خواهم واضحتر عرض بکنم ، شاید باشند اشخاصی که فکر کنند که اگر منافع مارا در شرکت نفت تأمین کنند شاید خدای نکرده دیگر وزیر نمیشوند ،اگر وزیر هستند باید بآنها بگویم که این اشتباه خودشان را از امروز قطع بکنند وزیر وقتی خواهند بود و احترام آنها هم در مقابل همان ممالکی که با آنها تماس دارند موقعی است که منافع این مملکت را دفاع کرده باشند (صحیح است) و باور بکنید که امروز غیر از این رفتار وراه حتی از یك انسان عادی هم مورد توقع نیست چه رسد از یك سیاستمدار . اما این سرپوشی و استتاری که کرده‌اند و آقای هژیر هم شرکت کردند دراینکار ویا وجود سؤال بنام مصالح عمومی وصلاح نیست جواب ندادند این‌دودلیل دارد یکی اینست که اساسا اولیای مملکت ایران ملت ایران‌را بحساب نمی‌آورند واین‌اشتباه بسیاربزرگی است ودیگر اینکه‌عادت شده است که بااین دیپلماسی های کهنه و زنك‌زده خیال میکنند که بهتر میتوانند مطالب مملکت را بیان بکنند و حل بکنند ، امروز عملیاتی که در دنیا میشود شماببینید آقا از توقعاتی که متفقین سابق ازهم دارند ، فرض بفرمائید روسیه و امریکا و انگلیس در موضوع ایران اختلاف‌دارند امروز صبح یك راه عبور میخواهند از همدیگر شما عصری درطهران مطلع میشوید ، شماتصوربفرمائید که برای چه این را اطلاع میدهند ؟ آیا برای‌هوس است ؟ اینطور نیست . آقا بازکنید روی این‌مطالب رادر نتیجه‌تمام‌مملکت همراه شما صحبت میکنند ، نیوشانید این حقایق را (صحیح است) وقتیکه شما حق مملکت را میخواهید آداب و ادب ایجاب میکند که در بیست وچهار ساعت ملاقات و مذاکره خودتان منتظر جواب‌بوده باشید (صحیح است)ولی شما وظیفه‌دار هستید که بیست وچهار ساعت بعداعلام کنید بملت ایران که من رفتم و اینمطالب را گفتم این جواب را میدهند و یا من رفتم و این مطالب‌را گفتم وهیچ‌جواب ندادند ، دراین صورت تمام‌مملکت ایران‌اینمطالب‌را ازآن‌ها خواهدخواست (عموم‌نمایندگان صحیح‌است) شما از این‌قوت‌افکار عمومی استفاده بکنید شما بدانید کهمین سرپوشها و سرپوشی هاست که اوضاع این مملکت را باینجا رسانده‌است . اینست که مردم این‌مملکت‌از عزیزترین وگرانبها ترین سرمایه های‌خودشان‌بی‌اطلاعند .چرا نباید مملکت ایران بداند درشیلات چهٔ اتفاق‌میافتد! چه‌جور رفتار می کنند !من‌وقتیکه چندروزفروردین به‌پهلوی رفتم وباچندنفرصیاد درآنجا تصادفاًملاقات کردم . یعنی‌ضمن گردش بآنها بر خوردم و واقعاً زندگانی آن‌هارا دیدم‌و درهین حال فکر کردم که چند نفر ایرانی بایدباحقوق گزاف‌در اینجااز حقوق مادفاع کنند حقیقة خجالت کشیدم ومن واقعا شرمم آمد که بآنها بگویم من‌وکیل شما هستم!و کیل‌ملت ایران هستم !آقایان چه‌پرده‌پوشی دارد ! شما اگر می‌بینید شرکت شیلات‌یاشرکت نفت حق‌ملت ایران را نمیدهد باید بگوئید که بمانمیدهند! بمابگوئید بعد باقوت‌ما بروید ودر پاریس در کنفرانس های بین‌المللی بگوئید اگردرپاریس بشماراه ندادندبروید کرسی بگذارید درهایدپارك لندن بگوئید ! اگر بشما راه ندادند بروید درجرایدمقالات درج کنید ! اگر بشما راه‌ندادند بروید بوسیله سفرای خودتان اعلامیه هاصادر کنید، افکارعمومی‌دنیارابه‌تنك‌بیاورید آن‌ها رامطلع کنید(عموم نمایندگان- صحیح است) آن‌ها رامسبوق کنید . در اینصورت چرا حق‌شمارا ندهند (عموم نمایندگان - صحیح است)شماتصور می کنید که‌دراطاق‌مذاکره تنها هستید. شماپشتیبانی یك‌ملتی را همراه دارید وقدرآن‌را بدانید و آن‌را قیمت بگذارید وقیمت آن‌را در ردیف همین خدمت بمملکت بدانید (مکی- شهامت ندارند) من تکرار میکنم در هیچ یك از اینموارد منظور ازاستیفای حقوق ایران تنها جبران خسارات گذشته نیست منظور ما این بوده است که روی اصول وحساب‌دقیق و صنعت بروید و بسنجید و دنیا را مطالعه کنید ، بهترین شرایط عادلانه را در تمام این موارد برای ملت ایران تحصیل بکنید (نمایندگان-صحیح است) ما نه از لغو قرارداد باك داریم ونه ازبستن‌قرارداد با دولت انگلستان و نه اینکه میگوئیم در را روی آنها ببندیم ، ما بهر کس که بیشتر از دیگران می دهد با او باید معامله بکنیم (نمایندگان - صحیح است) مابیشنهاد دولت شوروی‌راکه‌صدی پنجاه بما میداد نپذیرفتیم ، چرا نپذیرفتیم ؟ اول برای اینکه شرکت شیلات را میدیدیم (صحیح است) مگر طرز رفتارشان را در شرکت شیلات نمیدیدیم ! (صحیح است) چرا میگویند نمایندگان مرتجع هستند و بمارأی ندادند ! برای این بود که مارفتار شورویها را در شرکت شیلات میدیدیم ! آنها هم قرارداد داشتند ، چه چیز بمامیدادند آقا ؟ درعین حال نمی توانیم فراموش کنیم که پیشنهاد آنها یك پیشنهاد منطقی بود ، یعنی اگر مطمئن بودیم که عمل می کنند و اجرا می کنند بنفع ایران بود ، خوب آقا این حد اقل مذاکره است در اینصورت شما چرا قبول می کنید که یك طرف دیگری کمتر از آن بشما بدهد ! این یك حد اقلی است ، شما باید بآنها بگوئید بامریکا و انگلستان و هر دولتی که طالب نفت است اگر شما مطمئن هستید که می تواند عمل کند بگوئید این پیشنهاد پیشنهاد حد اقلی است که من داشتم و رد کردم ، این مطلب رامن در جلسه خصوصی مجلس شورایملی هم گفتم (صحیح است) این مملکت اگر حقوق خودش را در این مواردی که عرض کردم و سایر مواردی که حقوقش تضییع شده حفظ بکند عمل بکند محتاج نیست که هرروز مأمورین دولت را سریك‌بقال وخیاط بفرستدوپنجتومان‌وبیست وپنجتومان ودویست‌تومان بگیردوبخزانه‌بریزدوآن‌راهم‌باینطریق‌خرج بکند (صحیح است) این مملکت اگراحقاق حقوق فنی و صنعتی و طبیعی و معدنی خودش را بکند همان حقوق این مملکت را ازآبادترین و متمول ترین ممالك دنیا خواهد کرد ! (عموم نمایندگان صحیح است) چرا باید فکرها کوچك باشد چرا باید نظر ها این باشد که ما یواش‌یواش یکقدم برداریم! خیر آقا ما می‌توانیم برای این مملکت اقدامات سریع و جدی بکنیم باید این اقدامات را بکنیم وقبل ازاین که مرك بما برسد ومارا ازهر خدمتی باین مملکت باز بدارد باید نشان بدهیم که ایران هم میتواند از متمدن ترین وآبادترین‌ممالك دنیاباشد (صحیح‌است)

واین‌کار را می‌توانیم بکنیم! آقایان قوت‌شماوقدرت شما این کار را می‌تواند بکند ، پس در این وهله بنده وهمه‌نمایندگان مجلس شورای ملی وهمینطور همه ملت ایران منتظرند که اولین اثر اینمطالب‌را در تأییدات وتوضیحات دولت ببینند که دراین‌تریبون خواهند کرد وبعدهم درعمل دولت وهر چه زودتر انتظار قضاوت صحیح داریم (صحیح‌است) وچنانچه عرض کردم اگر با ایام و هفته ها و خدای نکرده ماهها این فرصت بین‌المللی را از دست‌بدهید شما آقایان‌مسئول‌هستید آقای‌مقبل شماکه‌امروز آمده‌اید وزیر شده ایدشما که رفتیداروپاتحصیلاتتان راتکمیل کردید دکتر شدید شمادیگرالان مرددیروزنیستید شما دیگر حق ندارید که در خانه خودتان بنشینید و فکر کنید که من مقبل دیروز هستم ! شما آلان از طرف ملت ایران وزیر هستید ! شما فکر کنید که شما که جوان ترین و تازه ترین وزراء هستید همان مسئولیت را دارید ! این را بشما که عرض کردم برای اینکه سایر آقایان که سوابق بیشتر دارند چه عرض کنم ، بنده در صورتی که‌در موارد تضییع حقوق ملت ایران وارد بودم و مجدداً آن صورت را تکرار میکنم موضوعات بحرین - شیلات نفت جنوب - مطالبات‌ارزی و طلای ما از شوروی و مطالبات ما از متفقین از بابت راه‌آهن و همچنین خسارات دیگر ، موضوع آب هیرمند و موضوع شط العرب راتذکر داد اتفاقاً درجرایدیدم‌فیروزه راهم علاوه کرده اند من اطلاعاتی در این موضوع نداشتم ولی هر موضوع دیگری‌هم که‌بضررملت‌ایران و مملکت ایران عملی شده است و یا میشود جز و مطلوب و منظور دولت ایران است (نمایندگان - صحیح است)و مشمول همان‌تبصره‌ایست که این‌مجلس در بیست ونهم مهر پارسال گذراند و بشماکه دولت هستید ابلاغ کرد . (صحیح است) حالا میپردازم بقسمتهائیکه در برنامه شما ساکت است چون یك جلسهٔ کامل و تقریباً نصف جلسه امروز وقت مجلس را بنده گرفتم در این قسمت‌سعی‌میکنم حتی‌الامکان باختصار توضیح بدهم‌شما دربرنامه‌تان در موضوع صنایع و معادن هیچ ذکری نکرده اید این تعجبی هم ندارد دولتهای‌بعدازشهریور اصلا راجع‌بصنایع و معادن ما نقشه‌ای که نداشتند هیچ اطلاع که نداشتند در بعضی موارد خراب هم کردند و برنامه ها هم غالباً ساکت بود این صنایع و معادن خدمت آقا میخواهم عرض کنم نتائج حکومت اعلیحضرت فقید بود نتائج خوب آن حکومت محدود بچند قلم است که اولین قلم آن شایدایجادهمین صنایع‌ومعادن در ایران است (صحیح است) منتهافدر این‌صنایع و معادن را بعد از شهریور ندانستند الان ما یك وزیری که خودش را مسئول صنایع و معادن بداند اینجا نداریم آقای اشرفی که وزیراقتصادند نه‌تسلطی در امور صنایع و معادن دارند و نه طبق اساسنامه فعلی بانك صنعتی واقعاً آنجا میتوانند وقت کافی صرف بکنند آقای وزیر دارائی هم که صاحب سهم هستند منتهای امر اینست که هفته یا پانزده روز یکدفعه در آنجا تشریف میبرند بهر حال این صنایع و معادن یکوقتی موضوع یك وزارتخانه‌ای بود ما در آنجا از رجال قوی خودمان چندین نفر را بعنوان وزیر داشتیم خوب باید عمل میکردند و تأسیسات و همچنین بهره برداری مؤسسات موجود

را انجام می دادند معایبی هم که داشت بنده خوب میدانم واردم ، بنده میگویم که تأسیس بانك صنعتی کار غلطی بوده ، اساساً چرا فکر ایجاد بانك صنعتی و بنگاه صنعتی پیش آمد؟ علتش اینست که اصولا مالیه مملکت ، اداره امور مالیه مملکت ازروش خودش خارج شده بود ،وزیر مالیه یك حسابداری میفرستد مثلا بمؤسسه ذوب‌مس آن حسابدار که وارد نیست ، یك مقرراتی‌هم قبلا وزارت دارائی نوشته که بدرد خریدن جارو ویاروی برف‌روبی ویا بخاری ادارات ثبت اسناد میخورد ، این مقررات را هم دست این حسابدار میدهند البته این حسابدار بارئیس کارخانه بااین مقررات نمیتواند همکاری بکند که این کارخانه بچرخد ، درصورتی که هیچ سوء نیتی هم نباشد حالا اینها هجالة جزء مطلب من نیست البته پیش نمیروند باکمال حسن‌نیت هم باآن مقرراب مؤسسات صنعتی را نمی‌توانستیم بچرخانیم نتیجة بتدریج هرکسی‌که دستش در کار صنعت بود از قوانین و مقرراتیکه اجازه میدادند استمداد کرد و تسهیلاتی برای پیشرفت امور صنعت بدست‌آورد مثلاوزارت‌دارائی‌درمؤسسه‌انحصاردخانیات که‌یکوقتی هم‌بنده آنجاکارمیکردم‌یك‌تسهیلاتی‌برای عملیات بهره برداری کارخانجات قائل شد وچون از نظر امور اقتصادی هم اختیار قانونی بدولت داده شده بود و ماده‌ای هم در متمم بودجه سال ۱۷ بود که آنهم ناظر براین بود که هروقت دولت صلاح دانست میتوانست یك مؤسسه‌ای را بشکل بازرگانی بچرخاند ازآن ماده هم استفاده شد بعضی‌مؤسسات را تبدیل‌باصول بازرگانی کردند خود بنده یکوقتی مسئول یك قسمت ازکارخانه‌های مملکت‌بودم باکمك چندین نفر از رجال مملکت که اتفاقاً چندنفرازآنها هم‌درهمین کابینه شرکت‌دارند وضع ومقررات‌جدیدی برای آنها ایجاد کردیم که تصویب بشود معذلك دیدیم که دوعلت پیدا شد یکی اینکه مقررات مختلف وضع شد یکی اینکه دیدیم این‌دستگاهها ازهم جدا است‌آمدیم فکر کردیم که این‌دستگاهها را جمع وجور بکنیم ومقررات را هم یکسان بکنیم تابتوانیم بهترین بهره برداری را ازاین کارخانجات ومعادن کرده باشیم ودرعملیات جدیدهم دستمان باز باشد و بعد بتقلید ازترکیه واین‌راهم قبول بفرمائید که آقای قوام‌السلطنه هم دراین‌مورد وقت مطالعه زیادی نداشتند واسمش را گذاشتند بانك صنعتی ، اما بانك صنعتی یعنی چه اصلا کسی اگر برای خانهٔ خودش مدیرشد نمیتواند بگوید که من بانك‌خانواده خودم هستم بانك آنکسی است که بتواند بهمسایه خودش هم کمك‌بکند ولی کجا دیده‌اید که بانك صنعتی توانسته باشد که‌بیك کرمانی که مثلامیخواهد پشم شوئی‌برای قالی بافی داشته باشد بتواند کمك کندمکرر هم‌مراجعه کردندآنهازیرا آنها که‌نمی‌دانستند کمکی نخواهند کرد خوب آنها که بالفاظ در این مملکت گاهی گول‌میخورند مراجعه کردند بانك‌صنعتی البته‌هیچو کمکی نکردونتوانست‌هم‌بکنددر جریان‌قبل ازمجلس بانك‌صنعتی درعملیات ومعاملات خودش‌هم طریقه‌ای‌پیش گرفته‌بود که‌آن‌طریقه معینش‌این‌بود که یك‌دستگاهی رابدست دولتی‌دادند دولت هم‌یك بانك صنعتی تأسیس کرد بانك صنعتی هم یك‌کالا هائی‌را تولید میکند امااین کالا هائی که بخرج ملت ایران تولید میشد بافراد مخصوص معینی حواله و بذل و بخشش میشد آنهم که یك جریان عجیب وغریبی‌بود که در موقع ورودما بتهران مصادف بودیم وباتمام رودربایستی هائی که من باآن مهندسین آنجاداشتم اینقدر خودداری کردم که تماس خودم راکم بکنم و انتقاد خودم را سربسته بگویم معذلك در حزب دمکرات ایران این‌مطلب‌را من گفتم ، چون آنموقع بنده هم عضو حزب دمکرات ایران بودم ، متأسفانه البته کسی ترتیب اثر نداد بعد مجلس که باز شددر واقع ارباب تقاضی هم زیاد شد هم در داخل و هم در خارج مجلس (زنك رئیس) نتیجة اینکار مشکل شد وقتیکه مشکل‌شد یك‌قدری دراین زمینه تعدیل کردند بعضی از همکاران آنجا منجمله آن آقای مهندس‌زنگنه کههمه آقایان‌میشناسند مردصحیح‌العملی هم هست (صحیح است) و آنقدر که توانستند سعی کردندکه در طرز فروش این کالاها بهبودی‌حاصل بشود البته همین آقایان در آن دورههم تحمل کرده بودند این را هم باید بگویم که این تحمل آقایان را بنده نمی‌پسندم اگر بنده بودم‌که این همکاری‌را نمیکردم ولی آنها می‌گویند که اگر این کار را نمیکردند کنارشان میگذاشتند و بدتر میشد . این استدلال را من قبول ندارم و اصول این استدلال‌را از روی حسن نیت میکنند منهم‌فقط تکرار استدلال آنها را کردم ولی بهر حال همین آقایانیکه شاهد خرابکاریهای‌قبل‌بودندبعد که‌یك‌اختیارات بیشتری‌داشتند یك اصلاحاتی کردند .بهرحال جریان‌وضعیت این‌بود که عرض کردم اما این بانك که بنظر بنده بهتر است مؤسسه بهره برداری صنایع ومعادن ایران‌باشد یك توفیقی هم یافته است ، این توفیق را وظیفه من است که عرض کنم ، یعنی درنتیجه همکاری مهندسین ایرانی باکارگرهای متخصص وکارگرهای عادی درتمام کارخانه‌ها ودر نتیجه حسن نیتی که دردستگاه بانك ازاین حیث دیده شده بود وضع‌فنی کارخانه ها را بعد ممکن بهتر کرد بطوری که بعد از دوره پهلوی که ممکن بود این دستگاهها بنابرپیش بینی قبلی اشخاص بکلی بپاشد و بعد هم درآن دوره کشمکش‌وافراط وتفریط عجیب دراین مملکت خیلی ازاین کارخانه ها بصورت خیلی بدی درآمده بود دراین دوره اخیر جمع و جور شد و آن خرابکاری ها و تا انداز- ای می‌توانم بگویم بی مراقبتی های سهوی واحیاناً عمدی ازبین رفت و باینصورت درآمد که فعلا کارخانه ها میچرخد ، یك مؤسسه ای هم موجود است یك معادنی هم که سابقاًدرشرف بهره برداری بودند آنها هم درتحت همین مؤسسه است ، یك معادن ذغالی هم که حقیقة بهره برداری میکنند آنها هم هست وتقریباً مشمول این مثل معروف است که چراغ خاموش است‌وآسیا می گردد زیرا هرچند این اقداماتی که شده من‌باید تقدیر بکنم مخصوصاً درقسمت کارخانه ها درامانت ودرستی خیلی ازاشخاصی که درآنجا زحمت‌می کشند باید تقدیر بکنم ولی اینهارا برای نجات صنایع و معادن مملکت من کافی تشخیص نمی دهم (صحیح است) و دولتها هم نسبت باین مؤسسه بسیاربدرفتار کردند اولا هرگونه اعمال نفوذی که دراین‌بنگاهها می‌خواستند کردند (صحیح است) وهرگونه انتخاب بی‌جائی که بعمل آمده شاید بهترین نمونه‌هایش در همین دستگاه است (صحیح‌است) وبمطالب وتقاضاها رسیدگی نکردند ونتیجه‌اش‌این‌شد که باید عرض کنم دروهله اول مؤسسه رابنده گفتم که‌یك کمی‌دراین مرحله قصور کرده‌بود ،دولت‌ها جداً دراینکارقصور کردند ومقصر شناخته میشوند .مملکت ایران‌نه‌تنها این کارخانه هارا میتواند نگاهدارد بلکه میتواند کارخانه‌ای مفید دیگری راهم تأسیس بکند وباید بکند. مملکت ایران نه تنها این استخراج‌این چند معدن‌بایدرابصورت‌بهتری‌بیندازدبلکه‌بایدیك‌اکتشاف صحیحی ازهمه معادن بعمل بیاورد ودراین راه‌یك انرژی ویك قدرت خارق‌العاده‌ئی بکاربرد تااین که ازاین وضعیت بدوی خارج‌شود.اصولا مملکت‌ایران بیشتر البته زراعتی است‌ولی در دنیای امروز آن مملکتی میتواند اصلا زراعتی‌بماند که اقلا صنایعش سی‌برابر چهل‌برابرصنایع فعلی ماباشد یعنی آن‌حد صنایع نیزتازه کافی‌برای صنعتی کردن یك مملکت نیست ،تصور نفرمائید که اگر در داخله‌اش پنبهٔ خودش راتبدیل بقماش بکند یاپشم خودش‌راتبدیل بپارچه بکند یاابریشم خودشرا ببافد یامعادن‌خودش رااستخراج بکندومحصولات‌عادی‌مورداحتیاج‌خودش رااز این معادن بگیرد این‌یك مملکت صنعتی شده خیرآقا تازه آن‌مملکت دراین شرایط هنوز صنعتی نشده است. ولی مملکت ایران اتفاقاً اگر یکروزی قدرت فکری زیادی پیدا کرد میتواند در یکمراحل هم یك جنبه صنعتی بخودش بگیرد ، بنده در این مطالب یکروزی مفصلا صحبت خواهم کرد . ولی برنامه شمادر این‌قسمت ساکت‌است وما نمیدانیم دولت شماچه فکری دارد؟ من‌خیال میکنم دولت شما هم‌مثل دولت‌های قبل‌ازشما هیچ‌نظری ندارد غیر از اینکه‌بگذاردااین آسیائی که‌همانطور که‌عرض کردم‌چراغش خاموش‌است‌ومیچرخدبلکه ازچرخیدن‌بایستدولی‌آقایان بدانید امروز این چرخهائی که در این کارخانه ها میچرخد این کارگرهائی که در این کارخانه ها کار می کنند .این‌مهندسهائی که‌ازاین‌کارخانه‌ها استفاده میکنند این کالا هائی که بقیمت نسبة معتدل بازاز این کارخانه ها خارج میشود نتیجه‌همان دوره‌حکومت ۲۰ ساله گذشته است ، یعنی نتیجه غائی و نهائی آندوره . شایدبزرگترینش و آن‌نتیجه‌حقیقیش‌همین است . چون اگر امنیت دیدید ، دیدید که بعدنبود الحمدلله شهریوررا دیدید وبعد ازشهریور هم۳روز که‌گذشت همه گردنه ها را آقای مسعودی گرفتند با آنکه شما در جریده اطلاعات نوشته بودید که ایران امن ترین ممالك روی زمین است ولی چون اساس درستی نداشت فوراً همه گردنه ها را گرفتند .

عباس مسعودی - خودمان نتوانستیم نگهداریم .

محمدعلی‌مسعودی - تافشون‌خارجی نیامد امنیت بهم‌نخورد

مهندس رضوی - آقای مسعودی در این خصوص کمتر صحبت کنید ، بهتر است کم صحبت کنید . کرمان که قشون خارجی نبود . بنده که اطلاع دارم . فارس هم که قشون خارجی نبود چرا شما آقا مطالبو را که میفرمائید با استدلال و منطقی نیست . بهر حال ، اتفاقاًآقای سیهبداحمدی تشریف ندارند مقصودمن‌این‌بود که ....

ملک مدنی - خودمانیها قصور کردند که قشون خارجی آمد

مهندس رضوی - بهرحال مقصود من این بود که آن امنیت آقا و آن مخارج و آن تشریفات و آن رژه های . . . (اکثریت نبود - پس ازچند لحظه اکثریت شد)

بنده البته تشکر میکنم که حفظ اکثریت رامیفرمائید آقایان ، لی باید عرض کنم که من از حق قانونی خودم که بمن این حق راداده است که این مطالب را عرض کنم حداکثر استفاده راخواهم کرد و قضاوت این قسمتهائی هم که عرض کردم با خود من است من شخصاً قاضی این امر هستم که کی مطالب من تمام میشود اگر خدای نکرده آقایان خسته شوند فرداهم من حاضرم عصر هم حاضرم پس فردا هم حاضرم تا تمام عرایض و مطالب خودم را نکنم این نقطه ئی راکه درنتیجه یك حوادث وپیش آمدهائی من بآن دست یافته ام و ملت کرمان مرا بوکالت توانسته است بفرستد ازش استفاده میکنم وبنا براین ازتمام رفقای مجلس کمال تشکر را می کنم که اگر حرفهائی بمذاقشان خوش آیند نیست صندلی خودشان را ترك نکنند بنده عرض کردم آن تشریفات و تشکیلات و آن حرفها و آن ریخت وپاشها بیفایده بود برای این عرض کردم که امروز برعکس امیدوار هستم مخارجی که می شود درشئون کشوری ولشکری با این فکر باشد که پایدار باشد بر دوش ملت باشد وبا فکر ملت باشد اصلا معنای دمکراسی آقایان غیر ازاین چیزی نیست دموکراسی یعنی اینکه وقتی یك کاری در کشوری انجام شد اشخاص می آیند ، میروند آنکار باقی میماند . اما در حکومتهای توتالیتر و دیکتاتور منش یا دیکتاتور کار ها برای اشخاص وبنام اشخاص میشود کارهای خوب هم میشود ولی آنکار ها بعد از اشخاص از هم میپاشد بنده منظوری غیر از این نداشتم عرض کردم که این صنایع ومعادن پاشیده بود اما همت وکار وصحت فکروعمل پشتکار مهندسین وکارگران تمام مهندسین وکارگران ایرانی باعث شد که این دستگاهها فعلا باین صورتی که عرض می کنم باقیمانده شما تعجب نکنید آقا ممکن بود این توربین که فعلا در شمال هست و میچرخد حالا نبود ممکن است این موتوردیزلی که الان کار میکند امروز نبود ولی عرض کردم آنها ماند چرا ماند برای اینکه مهندسین وکارگران و کارکنان این کارخانه‌ها باتمام ایرادات و انتقاداتی که اینجا سر بسته عرض کردم آنها را نگهداشتند برای کی نگهداشتند ؟ برای ملت ایران نگهداشتند . بنده منکر این نیستم که رضا شاه فقید این هارا برای ملت ایران درست میکرد ولی بنده این‌را هم انکار نکردم که آن قسمت هائی راهم که برای خودش تأسیس کردو بعداً براثر حسن نیت اعلیحضرت فعلی بملت ایران واگذار شد . بالاخره همان نتیجه را داد. بنابراین اصولا آنها متعلق بملت ایران است ومن وقتی هم میگویم ملت ایران این پابرهنه‌ها آن پابرهنه بندر عباس ، آن پابرهنه مشکین‌شهر و همه پابرهنه ها هستند ومتأسفانه از بندرعباس تارود ارس همه جا پابرهنه هستند . خیلی دراین زمینه اشتباه نفرمائید پس راجع باین موضوع شما ساکت هستید . من میخواستم بدانم که شما راجع باین کار چه نظری دارید ؟ آیا این بانك بااین وضع باقی خواهدماند؟ یابرای آن یك اساسنامه‌ئی خواهید آورد ؟ ویا بالاخره خواهید نشست وباافکار واطلاعاتی که دارید خواهید فرمود که ما میخواهیم بالاخره این دستگاه های عظیم که مخارج هنگفتی برای آنهاشده بالاخره بچه‌صورتی دربیآید وچطور اداره بشودچه استفادهٔ ملت ایران از آنها میخواهد بکند . برای اینکه عرض کردم اینهامال ملت ایران است ، باید در تصمیم خودتان فکر بکنید که بدرد ملت ایران بخورد . بنده در یك وهله دیگری که اینجا آمدم باارقام بآقایان نشان خواهم‌داد که این کارخانه‌ها چه کمکهای اقتصادی باین مملکت کردند . (صحیح است) موضوع دیگری که در برنامه شما ذکری ازآن نیست موضوع ارز است . خدا سلامت بدارد آقای هژیر که در موضوع ارز یك « کمپلکسی » داشتند یعنی عقیده شان این بود که غیراز خودشان دراین زمینه هیچکس اطلاع ندارد . خوب ایشان مرد باهوشی هستند و امیدوارم که خدماتی برای ایران بعد ها بتوانند در خارج انجام کنند ولی باید از نتیجه اقدامات خودشان عبرت بگیرند ولی در این موضوع ارز آنچه من می‌توانم عرض کنم اینست که وضعش روشن نیست خلاصه کلام ارز در ایران اینست یك لیره ای در اختیار . . . . .

برزین - صورت بیاورند .

مهندس رضوی - باصورت چیزی اصلاح نمیشود صورت را آوردند در کمیسیون بازرگانی است بفرمائید مطالعه کنید . خلاصه عرض کنم الان یك لیره یك دلار دردست آقای ساعد است ازطرف کی در اختیار شماست ازطرف ملت است شما این لیره ودلار را لطف میفرمائید بحسنعلی خان حالا من حاجی هم اسمش را نگذاشتم (نورالدین امامی - ساعد نه لیره دارد نه دلار) برای مثال عرض می کنم بمحض اینکه بایشان مرحمت کردید حالا اگر یك لیره فقط یك دانه لیره ازاین حساب یعنی حساب ملت ایران لطف کردید بآقای حسنعلی خان ازپول ملت ایران بقیمت امروز ارز ده تومان ببخشید بآقای حسنعلی خان ، من که حرفی ندارم ولی عرض من اینست که اگرشما بآن آقای حسنعلی خان ازاین محل ده تومان هرروز صبح می‌دهید باین حسنعلی خان هم بدهید من که بخیلش نیستم (صحیح است) اما اینکه اساساً این طرز عمل اساس دولت شماست آقا شما ببینید اصلا باور کردنی است که در مملکت شما بااین مجلسی که همه این مدت بوده همه دولت ها بمؤسسات و کارخانه های صنعتی که میخواستند ارز بگیرند برای یدکیهاشان نه برای تأسیس کارخانه به بیمارستان ها باین دانشکده پزشکی که دکتر آشتیانی سه روز رئیسش بود می خواست ارزبگیرد دوا بخرد ، بخود مؤسسات دولتی از هر قبیل ارز دادند شما برای رفع احتیاجات آنها ارز نمیدهید (صحیح است) اما همان ارز را بدلال وتاجر ومؤسسهٔ که در خارج هست می‌دهند (صحیح است) آخر چرا می‌دهید ؟ من بشما راست و صاف و پوست کنده بگویم هیچ تردید نکنید ، برای اینکه این یك لیرهٔ که به حسنعلی خان دادید وده تومان دادند ، تومانش را پس گرفتند اما دانشکده طب که ارز می خواهد نمی‌تواند چیزی پس بدهد ! (صحیح است) یعنی در دانشکده طب که می‌خواهد برای بیمارستانهایش دوا بیاورد ، دکتر آشتیانی که نمی تواند یك چیزی هم بدهد بآن آقا یا بآن آقایان

مهدی ارباب — لیرهٔ دو تومان بیشتر نمی گیرند .

مهندس رضوی — شما این کارخانه برق تهران‌را به بینید همه تان هم الحمدلله از برق استفاده میکنید (عدهٔ از نمایندگان - هیچکس نمی کند) خیال میکنید ارز دادند ؟ حالا بعد راجع باین هم چند نکته می گویم ، شما ببینید ارز دادند ؟ حالا آقایان محترم تصور نفرمائید که من عرض می کنم که ارزهائی هم که در دستگاههای دولتی می دادند خوب بمصرف میرسید من میگویم که شما این دستگاههای دولتی که دستگاه خودتان بود باو نمیدادید بعد گاهی هم یواشکی میگفتید که آقا آنجا ها هم که بهل بشو است ممکن است ببرند این صحیح نیست آقا اولا شما مختار بودید که آنرا بکسی بدهید که بتواند برای شما کار صحیح انجام بدهد شما اگر ارز ایران را در اختیار آقای علا بگذارید و بگوئید آقای علاء من از شما دارو میخواهم من از شما فلان یدکی را میخواهم باین صورت حتی فلان کارخانه را میخواهم وارد کنم از شما اتومبیل لوکس میخواهم دیگر ازاین بیشتر که نیست الحمدالله حاجت آقایان یعنی آقایانیکه میخواهند در ادارات دولتی بنشینند یا کامیون میخواهیم برای مؤسسات تصور کنید که آقای علا برای شما بهتر وسیله است یا . . . (برزین - حسنعلی خان) حسنعلی خان ؟ البته آقای علا نمیتواند در مقابل خدمت آقایان برسد .

مکی — میشل صعب از همه بهتر است

مهندس رضوی - آقاجان من سیاست ارز که آنقدر آقای هژیر سلامت باشند اینجا باصورت خیلی بر افروخته در مقابل آقای اردلان توضیح می دادند این تفصیلات را ندارد ما که حرف نمیزنیم ما می گوئیم شما دراین مملکت ارزی در اختیار دارید احتیاجاتی هم دارید که مال عامه مملکت است آن احتیاجات مملکت را با این ارزی که در اختیار شماست برآورید (صحیح است) اختیار قانونی هم دارید آقای گلشائیان الان که معلوم نیست که وضعیت چطور است ولی شما طبق قانون همین مجلس همه تجارت داخلی و خارجی را در اختیار دارید غیر از روسیه کجای دنیا یك دولتی چنین اختیاری دارد (یکنفر از نمایندگان - هیچجا) شما یك همچو اختیاری را ازطرف ملت ایران دارید ملت میگوید آقا من میخواهم قماش بغرم تو باید و حق داری و موظفی که بروی این قماش را برای من بقیمت ارزان برداری بیاری من که بیش از دو تومان عائدی ندارم به بینید به انصاف خودتان اگر برای شما دو قران تمام شده دوقران وپنجشاهی از من بگیر آقا شما این سیاست را عمل کردید ؟ آقایان دولتهای گذشته عمل کردند؟ این منطقی است که من باید بدانم این انحصار های دولتی راجع به آنها خیلی صحبت میشود همه بآنها بد میگویند آقای ساعد اول توجهی که کردند یك نفر جوان دکتر

محمد نغمی بود که آمد درورزارت کشاورزی انحصار پنبه را ملغی کرد .

مهدی ارباب - بسیار کار صحیحی کرد

بعضی از نمایندگان — کار بسیار بدی کرد .

مهندس رضوی — بگذارید من فقط صحبت بکنم انصاف بدهید که من سعی میکنم حتی‌الامکان آن چیزی که لازم هست بگویم . انصاف بدهید . درآن موقع البته انحصار پنبه یك اداره بسیار شلوغ پلوغ ودزدبازار حقه بازی بود ، تصدیق میکنم انحصار قماش هم آنوقت همینطور بود ولی آقای ساعد گفتند این انحصارها بهل بشو است فلانست ، فلانست ، فوراً گفتند این انحصارهارا لغو کنند . خدا سلامت بدارد اولین کس هم همین آقای گلشائیان بود خدا سلامتش بدارد آدم خیلی قوی است من خودم عضو ایشان بودم بسیار مرد قوی مطلع بود و خدای من شاهد است هرگز فراموش نمیکنم که وقتی که من جوان بودم این آقای گلشائیان را میدیدم پرسه میزد در خیابانها بایك حالت متأثر و همیشه منزوی بود ویکی از راهروهای شهر تهران بود یك مدتی هم قدم میزد حالا نمیدانم قدم میزنند یاخیر یادشان هست یا خیر صحبت ۲۵ سال قبل است آقای گلشائیان وقتی که شما وزیر دارائی بودید گمان میکنم شما بودید بمحض اینکه اوضاع شهریور پیش آمد تشریف بردید پشت رادیو یك خبرمژدهٔ دادید بمردم حقیقة هم در آن تاریخ مژده بود گفتید شمارا میخواهیم از قید و بند تجارت آزاد کنیم ، این مشکلات تجارتی را از شما ولایتی ها ، رفسنجانیها ، کرمانیها ، زرندیها ، اردبیلیها ، مراغه‌ئی ها ، بروجردیها ، برداریم ما میخواهیم از این ببعد شمارا راحت بگذاریم ، آن دوره که رفت ، حالا ، رفت گذشت آن دوره گذشت ، حالا من میخواهم یك کاری بکنم که شما همه تجارت بکنید . من بیچاره که توی خانه خودم نشسته بودم حالا چه فکر کردم یادم آمد که آنجائی که یك وقتی محل زندگی و اقامتم بود شهر رفسنجان یکی از مراکز تجارتی قدیم بود بین بندر عباس و یزد و حتی گمان میکنم بین بندر عباس و تبریز گاهی بعضی کالاها میآمد شهر کرمان که دارای کاروانسرا های آباد بود بهوای خودم فکر کردم گفتم خوب حالا ممکن است معجزه‌ئی اینجا بشود و همان دوره برگردد اما من چون همانموقع متوجه بودم این آن « آنتوزیاسم » اولی من شخصاً بود ملت ایران هم خیلی خوشحال بود یکچند نفری هم در توی خانه های خودشان خیلی خوشحال بودند چون آنها میدانستند چه میگویند مردم خیال میکردند همه جا آباد می شود

ملک مدنی - بنادر آباد میشود

مهندس رضوی - شما هم میگفتید بنادر آباد میشود ولی من پهلوی خودم فکر کردم در دنیائی که همهٔ دارند کنترل میکنند در دنیائی که همه دارند نظارت اقتصادی میکنند و در دنیائی که الان جنك است مگر ممکن است حتی ملت امریکا هم لبوز کند کارخانه هایش هر کاری دلش میخواهند بکنند مگر ندیدید که روز ولت در باره کارخانه‌ها چه میکرد راجع بمؤسسات من گفتم آقای گلشائیان عجب قدرتی دارد و میخواهد کار آزاد بکند خوب من گفتم مملکت ایران که ۱۵ میلیون جمعیت دارد اغلبشان هم که سالی یك دست لباس بیشتر احتیاج ندارند آنراهم ندارند پس در یك چنین مملکتی که احتیاجاتش کم است با همه اینمشکلات از نظر فنی شاید واقعاً موفق شوند تجارت اینجارا ازنظر احتیاجات آزاد بگذارند نتیجه این صحبتها این شد که یك تبلیغات عجیبی شد بر علیه انحصارها و تمام ملت ایران که ۲۰ سال تمام بیچاره یا برهنه راه رفته بود و قند گران و لباس گران‌را تحمل کرده بود وبخیال خودش برای همین بود که راه‌آهن ساخته‌شود وسایر کارها وهمان تشریفات و آن تجلیلات علیه ما علیه ، کما همه‌دیدیم اینهم گفتند که خیالت راحت باشد از این ببعدما برای توکالای ارزان میآوریم آنهم البته صحیح بود ، میگفت که شرکت مرکزی که اوضاعش اینطور صحیح نبود نباشد ومیشنود که قماش را فقط شرکت قماش دارد بهش میگویند آقا اصلا شرکت قماش را بهم بزنید . چطور میشود آقای دکتر بقائی؟ خوشحال میشود . یك زارع بدبخت راکه گفتند تو که پنبه‌ات را میبری آنجا بد میخرند ازت رقمش را بدمیزنند بدجور حساب میکنند یکهفته معطلت میکنند اصلا دراین کاروانسرا رامیخواهند ببندند خوشحال میشود ولی در آنموقع که بجای آنهمه داد وبیداد حرفهای کودکانه یعنی کودك پسند بیائیم این انحصار هارا اصلاح بکنیم چه لازم بود که شما بآن زارع بگوئید من در این دکان‌را میبندم ، بهش میگفتند من این نقص دکان رابرای تواصلاح میکنم یعنی شعبهٔ پنبه که در سبزوار بود وتیول یك شخص مخصوصی در آنجا بود اینرا ازتیول آن خارج میکنم یعنی هر کس که پنبه آورد رقمی که داشت همان رقم راازش میخرم همان قیمت‌رابهش میدهم وزنش‌را درست حساب میکنم اگر خرش شب آمده بود میگویم امشب خالی کند وشب هم در سبزوار نماند معطل نشود خوب چکاری بهتر ازاین بود؟ خوب اگر این کاررا کرده بود میشد یکی از نوابغ این مملکت وتوی این مملکت هم که میدانید برای یکقدم که شما بردارید مردم شمارا می‌گذارند روی سرشان

دماوندی - حلوا حلواش میکنند

مهندس رضوی - بلی حلوا حلواش میکنند

اسلامی - آقای مهندس منظور ازاین صحبت ها حالا معنایش چیست؟

مهندس رضوی - شما تشریف نداشتید که بنده عرض کردم آنچه بنده صلاح مملکت ایران میدانم اینجا خواهم گفت (صحیح است) اگر حوصله ندارید باهم میرویم منزل بازبعد ازظهر میآئیم

اسلامی - گفتنش چه فایده دارد؟

عدهٔ از نمایندگان - نمیآیند نمیآیند

رئیس - بفرمائید

دکتر بقائی - آقا بگذارید اقلا حرف ها را بزنند

مهندس رضوی — بنده سبزوار را عرض کردم باید همه شهر راها بگویم باید بابل را بگویم ، باید همه شهر های ایران را بگویم ، چرا آقا نمی گذارید من دارم از طرف ملت ایران بشما عرض میکنم درد ملت ایران را ، باید بگذارید این حرف را بزنم بامنطق بعد آقایان وکلا یکی بعداز دیگری نیایند اینجا باحرف بمن توضیحات بدهند دولت وقت باید بیاید اینجا بارقم باعدد وبا منطق بمن بگوید که یا اینکاری که شده صحیح است یااینکه اصلاح میکنم والا بنده و شما هردو بیطرفیم در موضوع دولت یعنی هردو دلمان می‌خواهد که دولت کار کند پس آقا باتمام این تبلیغات که تمام این انحصار ها بضرر ملت ایران است این انحصار هارا یواش یواش لغو کردند اگر واقعاً این انحصار لغو میشد بنده موافق بودم یعنی امروز آقای گلشائیان یك قانونی بیاورند اینجا که اساساً حق انحصار تجارت را از دولت سلب کند من فوراً باین قانون رای می دهم چرا ؟ برای اینکه اقلا ۱۵ میلیون ایرانی یا لااقل ۵ میلیون ، ٤ میلیون نفر ایرانی می تواند آزادانه برود ودخالت بکند . اما متأسفانه شما آن انحصارهائی که بنام ملت و بدست دولت بسرمایه عموم وبنفع عموم می‌چرخید ومیبایستی بهتر بچرخد آنها را برداشتید تقسیم کردید عوض اینکه بین ۱۵ میلیون که این فایده مختصر رامیرساند بر داشتید تقسیم کردید بین چند صد نفر (صحیح است) من که نمی‌خواهم بگویم که این چند صدنفر کار بد کردند البته طمع وحرص از خصلت‌های بشری است (صحیح است) تازه حرص هم نیست بنده چرا نگویم اصلا تجارت یك ودیعه الهی است که درنهاد بشر گذاشته شده خوب البته وقتی که پنبه آزاد شد من خودم داخلش بودم اول کسی که معامله کرد آن کسی بود که اصلا قبل ازآن میگفت پنبه‌را خریده‌ام میگفت خریدم انبار کردم دارد میپوسد ای وای تکلیفش را معلوم کنید یادتان هست خودتان بودید

گلشائیان - بنده نبودم

مهندس رضوی - حالا دیگر نبودید شما خدا رحمتش کند آقای فروغی که در این مورد بزحمت افتاده بود و بالاخره یك یادداشتی داد که خیلی خوب کردید یعنی گفتند که چون چند روزی دولت گفته است که ما آزاد خواهیم کرد ما رفتیم و اینهارا خریدیم من هم این حرف را غیر منطقی میدانم حالا من که اطلاع نداشتم ، نه خریده نه توی انبار کرده نه پولی جائی داده اینها تمام بعداً بحساب میآید ولی خوب اینها خریدند جا کردند ماهم شنیدیم که استفاده کردند از همان روز که این صحبت در رادیو شد اشخاص باهوش وزرنك دراین کارها از ساعت بعد وبعضی اشخاص روزبعد وبعضی دیگر از چند روز بعد فهمیدند چکار کنند یعنی شروع کردند بتقسیم اموال ملت ایران (صحیح است) یعنی از حق انحصاری که بدولت‌ها داده شده بود برای حفظ منافع ملت ومملکت ازاین حق دولتها ناجوانمردانه استفاده کردند (صحیح است) ازملت ایران گرفتند باشخاص دادند (صحیح است) آقا در موقع نفت جنوب وشیلات عرض کردم اگر تمام ملت ایران هم کفش طلا داشتند بازهم ما میبایستی تاآخرین دینار حقوق خودمان را بگیریم (صحیح است) ولی در این موضوع عرض می کنم حالا اگر ملت ایران مرفه

بود باز چیزی در این جا من نمی گفتم شاید آقایان منطق اقتصادی شان این است ، اما از یك ملتی که شب شام ندارد ، لحاف ندارد برهنه است و پوشش ندارد گرفتند و بچند نفر اشخاص معلوم سپردند . پس شما نه تنها گناهکارید بلکه شما ها ، اساساً باید بگویم فاقد احساسات بشری بوده اید (صحیح است) من این خطابم بتمام آنهائی است که این مطالب زیر قلمشان آمد و نفع را از ملت ایران گرفتند ، از نظر دور کردند ، از مردم گرفتند و باشخاصی دادند (صحیح است) از کدام مردم ؟ از ردم لخت و عور از مردم بیچاره (نمایندگان - صحیح است) شما حق کی را میبردازید ؟ شما اصلا در وزارت خانه که نشستید ، آقای اشرفی کجا هستند تا عرض کنم شما که وزیر اقتصاد ملی هستید و در وزارت خانه می نشینید شما بچه حق میگوئید که مثلا حسنعلی خان حق دارد جنس بیاورد دیگری حق ندارد ! کجا مملکت ایران این قانون را فقط برای آنها وضع کرده است (صحیح است) من از تاریخچه این قانون مستحضرم من از تشکیلات شما در آن موقع باهمسایهٔ شمالی که آنها انحصار کامل داشتند مستحضرم ، من میدانم که شما اینقانون را برای چه در دست گرفتید . در هر حال آقایان شما یادتان نیست که آمدند تمام کالاهای مورد احتیاج عامه راحتی آهنهای ساختمان هارا بمناقصه گذاردند این آقای و کیلی یك تاجر ورشکسته بود (باتمانقلیچ ورشکسته نبودند) من هیچ جسارتی باشخاص نمیکنم مقصودم این است که ایشان کم سرمایه بودند آقای داور دستش را گرفت (همهمهٔ نمایندگان) آقا اجازه بدهید من حرفم را بزنم (فرامرزی — بگوئید حرفهایتان را آقا پس کی این مملکت را خراب کرده ؟) این آقای و کیلی اتفاقاً یکی از اشخاص باذوق و باهوش و بافکر ایرانی است مرحوم داور دست ایشان را گرفت اینها نشستند هیئت هائی درست کردند و اتفاقاً مقدمات شروع کارشان هم درست بود بعد میرفتند آهن را از آنجاهائی که آهن دست و آهن می فروشند یعنی از کارخانه های فولادسازی دنیا می خریدند ، حمل ونقل می کردند . میآوردند تهران میگفتند برای ما مثلا تمام شده است کیلوئی دوقران البته بنده یادم نیست و بعد میگفتند که شرکت ماهم خرج دارد میشود دوهزار و یك عباسی و این آهنها در انبار شرکت بدوهزار و یك عباسی موجود است مگر خوب اینکار را نکرده بودند ؟ (برزین - خیلی هم خوب بود) آیا مرحوم داور ازین انحصار که تأسیس شده بود سوء نیتی داشت ، شما درمقابل روح آن مرد شما درمقابل آن مردیکه در خانه اش خودش را با تریاك کشت و ابداً ذخیره نداشت میتوانید اذهان کنید ، اعتراف کنید ، و بگوئید که او گناه نداشت ، ولی شما دولت های گذشته همه گناهکار بودید ، چرا نمی گوئید این حرف هارا؟ (فرامرزی بفرمائید آقا صحیح است) آقای فرامرزی متشکرم من اسم یکنفر را بردم - برای منظوری نبود منظورم این بود که او از تدبیر و عقل یکنفر استفاده کرد حالا هم آقا وظیفه شما اینست که یك آقای و کیلی پیدا بکنید حالا او باشد یا هر کسی باشد بگوئید می خواهم تو از این بعد بروی بنشینی بارزان ترین قیمت یك کالائی را برداری بیاوری اینجا و توزیع کنی اما چرا شرکت مرکزی بنفع مردم ادامه پیدا نکرد ، وقتی که این آهن هارا آوردند گفتند می خریم مثلا کیلوئی دوهزار و پنجشاهی چون دوهزار مثلا تمام شده بود و پنجشاهی هم خرج بر داشته بود مرحوم داور که او میخواست پول تحصیل کند ولی نمیدانست که بچه راهی مصرف میشود عرض کنم اولین اثری که سوء نظر و سوء استفاده در ایران کرد آهن بود این آهنی که آن جا گذاشتند آن روز که یك نفر میرفت می گفت آهن می خواهم میگفتند هنوز نداریم تا فردا که یکی یك توصیه کوچکی همراهش بود بارمیدادند کم کم این توصیه کوچك تبدیل شد . توصیه اول یك کاغذی بود که مقامات صلاحیتدار مینوشتند بعد گفتند که لازم نیست بروید بامضاء برسانید همان امضای بانك کافی است بعداً توصیه امیر خسروی معروف شد (خنده نمایندگان) پس این کالاهائی که بخرج ملت ایران و برای عموم ملت ایران وارد گردید باشخاص دادند یواش یواش یك اشخاصی که آن اشخاص البته انتخاب شده بودند ، خوب این اولین اثر بدآن شرکت ها بود این بدیهی است شرکتی که از این راه بخواهد کار بکند اثر بدش ظاهر میشود نتیجه اش این شد که اعلیحضرت رضاشاه فقید از این شرکت بیچاره شد وقتی که امیرخسروی را فرستاد بوزارت دارائی باو گفت آقا برو من نمیخواهم اصلا اسمی از این شرکت مرکزی باشد آن هم یك مرد متخصصی بود برای بهم زدن و ید طولائی در این کار ماداشت اساس شرکت را بهم زد و این شرکت متلاشی گردید ، شما باور بفرمائید که در ظرف یکماه پرونده ادارات چهار مرتبه بایگانی شد از این اطاق بآن اطاق و گاهی از این خانه بآن خانه بردند ، بنده میدانم آقای گلشائیان در آن موقع غصه زیادی میخوردند ولی فایده نداشت بهر حال آمدند این کار را کردند ، اعلیحضرت فقید که نمیخواست باین ترتیب تغییر و تبدیل پیدا بکند منظورش این بود که از این صورت بیرون نشود و بصورت دیگر در آید ولی رندان سالخورده آمدند این اوراق را خوب جابجا کردند کار بجائی رسید که من بازرس شدم از طرف وزارت مالیه رفتم رسیدگی کنم بانبار شیار من حکم رسمی نداشتم چون من میبایستی در کارخانه های وزارت دارائی خدمت بکنم گفتند یك سری بانبار شیار بزنید این انبار انباری بود که در آن جا صندوقهای زیادی مملو از ماشینهای کشاورزی بود ، مقدار زیادی آهن آلات بود مقدار زیادی تراکتور بود مقدار زیادی وسائل تولید و از این قبیل بود حالا من بعضی ها از خاطرم رفته وقتی که من رفتم آنجا ، آقا چه دیدم ؟ بنده دیدم که این اسباب ها هست خدا میداند که ایرانی ها از امین ترین مردمان دنیا هستند ، این دروغ است که میگویند مردم ایران دزدند ، حالا من بشما میگویم ، این اموال نه صورت داشت نه وارداتش معلوم بود نه صادراتش معلوم بود حالا شما لابد میگوئید انبار داراداشت آقا یك آدم آنجا بود او هم حکم خاتمه خدمت داشت از یکماه قبل این عین حقیقت است ، این ها پرونده دارد اینها را باید ملت ایران بداند برای این که ملت مسخره این حکومت ها است ، مسخره این دولت ها است ملت ایران افرادش شریف هستند ، افرادش نجیب هستند ، برای اینکه اگر یك ریخت و پاش کوچك شده بود توی انبار خیلی کم بود چون من آدم سختگیری بودم و آن قدری که من توانستم مطالعه کنم واقعاً نتوانستم که یك ریخت و پاش بزرگی زیر دست و پای آنها پیدا کنم ، در صورتی که اگر یکی از این صندوق ها که دارای ماشین های تراکتور بود دارای ماشین های پنبه پاك کن بود و دارای بعضی ماشینهای دیگر بود که صورتش هم خاطرم نیست اگر اینها را برده بودند بمنزل شان هیچ طوری نمیشد ، این وضع عمل آن شرکت ها بود که برای خیر عامه تشکیل شده بود خوب یك شرکت هائی که این طور عمل کردند نتیجه این بود که ملت دادش بهوا میرود ، حالا شرکت پنبه چون از شرکت مرکزی گفتیم میرویم سر شرکت پنبه ، شرکت پنبه اولا پدر بود یك شرکت بزرگی بود یك عده افراد و فرزندان داشت که اینها شرکت های دیگر بودند « فلیال » بود باصطلاح اروپائی شرکت پنبه را به بینیم چطور درست شد ؟ چکار کرد و چطور از بین رفت ؟ البته خیلی مختصر که آقای اسلامی خسته نشوند (اسلامی - نه آقا بنده خسته نمیشوم شما جور دیگر تعبیر میکنید عرض کردم شما بفرمائید حالا چکار بکنم ؟) پنبه در ایران آقا سابقه زیادی دارد اولا تاریخ پنبه نشان میدهد که در ایران هم که از ممالك قدیم بوده اما البته اولین مملکت پنبه خیز نیست ، گمان میکنم اگر اشتباه نکنم در حدود سال ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ در ایران یك مقدار پنبه بومی بعمل میآمد این روس ها ، این شوروی ها این دوست شمالی ما که در آن موقع هنوز پنبه کاری وسیعی خودش نداشت و گرفتار ابتلائات بود اینها میآمدند حتی از ایران پنبه میخریدند ، اما امروز هم بدانید که دولت شوروی ، این دولت شوروی که در آن روز پنبه نداشت و میآمد از بندرگز پنبه ما را میبرد امروز یکی از بزرگترین مولدین پنبه دنیا است و نه تنها در پنبه معمولی دنیا بهترین ارقام را دارد بلکه حتی در پنبه رنگین و غیره که از مجلات علمی بر میآید موفقیت هائی حاصل کرده اند بهر حال روسها می آمدند این جا و پنبه میخریدند و نقاط پنبه خیزشان هم رو بهمرفته در نقاط شمال بود و بندرگز بود که حالا رو بویرانی است و هم چنین در ساوه زرند و سایر نقاط دیگر که من نظرم نیست در آن جا پنبه میکاشتند واسم آن مؤسسه ای که پنبه میخریدند پرسخولو یك چون در پرونده هامان که میآمد میدیدیم بروسی نمیدانم یعنی چه ، این ها یواش یواش تشویق کردند نتیجه این شد که یك مقدار پنبه بومی ما اضافه شد در آن موقع یك مردی پیدا شد آن مرد که امروز از این دنیا رفته است مرحوم حکیمی بود آنمرد هم همت کرد آمد و گفت وقتی که کشور ما این پنبه های بومی را میدهد ما میتوانیم پنبه های نوع بهتر راهم امتحان بکنیم آمدیم نوع پنبه هائی که بعداً معروف به پنبه فیلستانی شد آورد در ورامین این را توسعه اش داد و کاشت و خودش هم شد جزو فروشندگان بهمان مؤسسه

و آن موسسه از او خرید در آن مواقع بود که اوضاع پنبه خریدن و اهمیت خریدن پنبه در ایران جلب توجه رضا شاه را کرد شما حقدارید از رضا شاه یعنی ملت ایران حقدارد از رضا شاه گله کند ولی یك مرد وطن پرست بزرگی بوده است (صحیح است) در خیلی موارد ملا ماوطن پرستی اورا دیدیم یك موارد هم هست که یك گله های بزرگی از او داریم که ان را تاریخ ضبط خواهد کرد (باتمانقلیچ گله ما مورد ندارند) دیگر شما تاریخ را خواهش میکنم دستور بدهید که مورخین ننویسند (باتمانقلیچ آنها هم اشتباه کردند) عرض کنم وقتی که ایشان مستحضر شدند دستور دادند باین آقایان که یك فکری بکنید برای اینکار حالا بنده وارد اطلاعات جزئی نمیشوم ، اینها یك قسمتش هم اطلاعات کلی است که بنده ضمن عمل بدست آورده ام ، حالا اگر آمدند بمن گفتند که اول او گفته بود بعد هم آنها درست کردند اینها جواب بنده نیست ، ممکن است اینطور باشد ، یکی مقدم بر دیگری باشد ، اصل مطلب را توجه بفرمائید . بالاخره یك شرکت پنبه ای تأسیس شد و آن شرکت پنبه بنام ملت ایران و برای ملت ایران شروع کرد بکار این شرکت پنبه اولا یك سختگیریهای بکلی بیموقعی کرد که آن سخت گیریها البته شاید یکی از دلایل تنفر مردم از آن شرکت شد که آن سخت گیریها یکی از سنن کهنه میرزا بنویس های قدیم ایران است که یك دلایل خاص دیگری هم دارد ، چون این سخت گیریها اغلب موجب سوء استفاده اشخاص میشود که این کار را میکنند . این سخت گیریها مردم را خیلی بزحمت انداخت ولی تا آن وقتی که حسن نیت غلبه داشت چون در آن شرکت رضا شاه هم توجه داشت تا آن وقت شرکت پنبه عمل کرد و در تمام ایران بذرهای جدید را تشویق کرد و سطح مزروع پنبه را بالا برد و در عین حال شرکت مرکزی هم کارخانهائی وارد کرد خدا رحمت کند مرحوم داور هم تشویق کرد و شرکت مرکزی هم در عجله ای که در تقسیم این کارخانه ها داشتند در یك نقاطی گذاشتند بعضیش هم اصلا پنبه نداشت نه در آن وقت و نه بعد من وارد این صحبت نمیشوم ولی البته این کارخانها را که وارد کردند واشخاصی هم ازسابق مثل همین آقای معین زاده و خانواده شان از قدیم داشتند این اشخاص هم رفتند سعی کردند کارخانه شان را تکمیل کردند ، حالا باید این مطالب گفته بشود تا ملت ایران نتیجه عملی بگیرد بنده حالا از اسم شان صرفنظر میکنم و اگر روزی بنا بشود که خدمتگزاران ایرانی را اسم ببرند بنده اسامی آنها را خواهم گفت اما این شرکت وقتی عمل کرد باهمان آئین نامه بد باهمان اوضاع بدتر آن پنبه ایران را تاچهل هزار تن رسانید پنبه ایران از کالاهای صدوری شد ، آلمانها یکی از طالب های عمده بودند و وقتی که بازار یك قدری بالا رفت روسها که خریدار بودند یواش یواش از بین رفتند در آن موقع کارخانه های نساجی نبود ولی این کارخانها آن وقت مال رضاشاه بود و من یك روزی باارقام اینها را خواهم آورد ولی امروز خیال میکنم که مجلس خسته میشود شما آقا بیائید قیمت کلاف را در ایران مطالعه بکنید شما ببینید که در آن موقع با همه آن خلاف کاریها و با همه آن چیزهائی که بنام ملت ایران و برای ملت عمل میشد و با آن همه اشتباهات و آئین نامه ها چقدر قیمت کلاف تمام میشد برای کارخانه ریسندگی بهر حال بعد آمدند این انحصار را آزاد کردند و همه جا هم گفتند حقیقة هم مردم خوشحال شدند مردم که نمی فهمند باید آنها را راهنمائی کرد مرم ایران ، آن مردمی که در دشت و ده زراعت میکنند و آن پنبه را بدست میآورند که حالا مورد مثال ما است آن بیچاره که نمی دانست پنبه را چه جور باید عمل کند ، او می شنید که بعد از این ژاندارم جلوی پنبه اش را نمیگیرد خوشحال می شد ، من برای اینکه خرابکاری های این شرکتها راهم بگویم باید عرض کنم که هرگاه لحاف فروش هم پنبه داشت می گفتند که تو قاچاقچی هستی ، این نوع سخت گیریها وافراط وتفریط ها است که سوء استفاده کنندگان از آن بهترین نتیجه میگیرند (صحیح است) بعد گفتند که پنبه آزاد شد ، خوب حالا من این را بشما عرض کنم اولا پنبه های موجود دولت را داد بیك هیئتی بنام هیئت تصفیه و آن هیئت تصفیه آن پنبه ها را بآب و آتش کشید ، یکی از خریداران آن پنبه ها که امروز از متمولین این شهر است واخیراً می بینم راه پیدا کرده تا آن آخرین مقامات اصلا مدعی دولت هم هست و یك پرونده ای هم دارد شاید یك روزی هم چندین میلیون تومان باج سبیل بگیرد ، افرادی که در آن هیئت تصفیه بودند مردمان درستی بودند ولی مردمان بی اطلاع ، معمول مملکت ایران هم این است وقتی که در ایران می گویند تمام مملکت و وکلا دادمیزنند که آقا یك آدم درستی بیاورید میروند پیدا می کنند یك آدمی را که اگر در درستی آن هم شکی نداشته باشند حتماً بی اطلاع وضعیف است ، نتیجه این کار چه می شود نتیجه این کار حتماً این می شود که پنبه یا ارز این ملت را میدهد بحسنعلی خان و حسنعلی خانهای دیگر (دکتر بقائی - خواهش میکنم از آقای وهاب زاده اسم نبرید چون ایشان نماینده مجلس هستند . خواهش کردم اسم نبرید آقای مهندس) حالا بنده مطلب دیگری داشتم که خواهم گفت ، عرض کنم که خوب البته این کارشد که پنبه دولت از بین رفت ، اما این قسمت مثبت راهم بنده تصدیق میکنم چون در این مثال خودم در انتخابش این را رعایت را نکردم که در تمام نکات مؤید این نظریه من باشد ولی شما توجه کنید که این پنبه بواسطه این که در دنیا قیمت دارد در ایران طالب دارد البته همین آزادی که هست ترقی کرده است نسبت بسالهای آخر ولی بذر آن مخلوط شده و آفاتش هم از بین نرفته است و اگر این ترقی قیمت نبود سطح مزروع صفر میشد ولی یك چیز را باید بآقایان عرض کنم و بشما اطمینان بدهم که به نسبت قیمت ها عایدی آن شخصی که این پنبه را از زمین در میآورد و تحویل جامعه میداد کمتر شده ولی در این وسط دستهای متعددی استفاده میکنند و میلیون میلیون میبرند ، من مخالف بابردن آنها نیستم ولی میگویم اگر مملکت ایران قانون انحصار تجارت بشما داده است ، اگر گفتند شما بیائید برای ما پوشاك تهیه کنید آیا برای این داد که آقا بیائید این قانون را از مجلس بگیرید بگذارید توی جیبتان؟ خیر ، برای این داد که شما بروید بنام مردم عمل کنید ، برای مردم عمل کنید ، خرج مردم را کم کنید ، بارزانترین قیمت و بهترین قیمت برای مردم محصول تهیه کنید ، شما که این کار را آقا نمی کنید ! اما یك چیز هم هست ، اگر یك روز در این مملکت خواستید دو باره انحصار برقرار کنید که امید دوازم زودتر این کار را بکنید ، این اگر از نظر طرز فکر آقایان است بدانید که اول باید این آئین نامه های غلط ، این سوء استفاده های بیمورد این سخت گیریهای برمردم را باید جلوگیری کرد ، من برای مثال همین شرکت پنبه را عرض میکنم ، شما این شرکت پنبه را تأسیس کنید (آقای برزین توجه کنید) بگوئید که هر کس هر چه پنبه دارد بیاورد این جا پنبه را آزاد بگذر اندهر کس هم خرید و فروش توی بازار میخواهد بکند بکند . اما شما هم یك شرکت پنبهٔ تأسیس بکنید و بگوئید من که شرکت پنبه هستم بنام همه مردم است واسمش شرکت دولتی است چون مردم هم خیال میکنند آن چیزهائی که مال اشخاص است ملی است ؟ خیر آنچه که مال دولت است ملی است وقتی در انگلستان میگویند صنایع را ملی کردند . یعنی چه کردند یعنی دادند دست دولت . اینها همهٔ ملت را باشتباه انداخته اند (صحیح است) (برزین - موضوع شرکت تلفن هم همین طرز بود که من گفتم) شما باید این شرکت را تأسیس بکنید عرض کردم این راهنمائی هائی را که بنده میکنم قیمت دارد از برای آن کسانیکه حسن نیت داشته باشند شما بیائید این شرکت را تأسیس بفرمائید و بهیچوجه الزام آور نکنید تحویل پنبه را برای چه الزام آور نکنید ، برای این که اگر الزام آور کردید آن مأمور جزء که اوهم دنبال همین دستگاه است میرود که پدر مردم را در بیاورد ، مردم را اذیت بکند ، تازه زورش هم فقط بهمان رعیت میرسد . مثلا میگوید چرا بار را ازاین کوچه بردی غلط کردی باید از آن کوچه ببری . شما آزاد بگذارید قیمت آنرا اماطوری بکنید که قیمتی که میدهند یك قیمت عادلانه باشد آقا با این عمل در آن مناطقی که عمل میکنند به بهترین وضعی کشت بکنند واز اشخاص تعهد هکتار نگیرند آقا من که نمیدانم عمل خواهد کرد یا نه ؟ یکی از آن اعمال غلطی که میکردید همین بود چه لزومی دارد که شما باشخاص بگوئید چند هکتار عمل خواهی کرد باو بگوئید که شما اعتبار دارید ، همه شما را میشناسند باو بگوئید پنجاه تن میفروشی این پول ده تنش را بگیر و برو و محصول خود را تهیه کن بیا بمن تحویل بده این هم یك راهی است آقا در صورتی که دارای حسن نیت باشید آن وقت شما یك پناه گاهی میشوید برای رعیت بی پناه (صحیح است) واقلا در بعضی از نقاط مملکت آنجا هائی که واقعا پنبه قابل استفاده و بهره برداری است ازحیث این زراعت در اینصورت شما بداد آن فرد پنبه کار بدبخت رسیده اید و نتیجهٔ یك رقیب عادل و شاخص و ملی گذاشته اید و همه مردم میروند همیشه میکارند (صحیح است)

واین پنبه ای هم که مرد زارع دارد میآورد بشما میفروشد من یقین دارم که شما که دارای حسن نیت هستید او هم که پنبه خود را میفروشد یواش یواش رعیت خودش با میل و رغبت میآورد پنبه را بشما میفروشد واگر این پنبه را درست بخرند وانباردار شریك آن تاجر نباشد اگر پدرش جیره خوار آن شرکت نباشد اگر رئیسش طرف لطف و کیل محل

نباشد اگر آن شرکت دوست عمل کند بتدریج مردم رو بشما میآورند و این پنبه‌ای که شما خریدید از بین نمیرود و میدهید بکارخانجات خودتان شما تعجب نمیکنید ! ازاین موضوع ؟ وقتی که این کارخانجات تبدیل ببانك صنعتی شد پنبه مصرفی خودرا توی انبار دولت داشتند بنگاههای صنعتی هم به پنبه احتیاج داشتند ولی پنبه موجودی را به بنگاههای صنعتی ندادند این پرونده هست آقا (صحیح است) کاغذ آن هست پنبه را بکارخانجات دولتی ندادند که در کارخانجات دولتی بریسند وپنبه را دادند باشخاص دیگری آقا این رسم در کجای دنیا هست ! شما تصور میفرمائید که ملت ایران خواب است ! نه آقا ملت ایران بیچاره این ستمگران است و اگر بیدار شد آن روز برای شما روز خوبی نیست ! من این را خطاب بشما آقای ساعد نمیکنم ، این خطاب را بآن اشخاصی میکنم که پشت میزشان نشسته اند یا وزیر بوده اند ، یا الانینقطع تلفن میکنند که میخواهند وزیر بشوند (صحیح است) (فولادوند ـ آخ آنها کشتند ما را) وزیر باید کسی باشد که حق ملت ایران را نگه دارد ، وزیر که وزیر چند نفر نیست آقای دکتر مقبل که آمده است وزیر کشاورزی شده است ، وزیر تمام کشاورزان است ، شما وزیر چند نفر مالك نیستید ! آن مالك هم البته باید در این مملکت زندگی کند ، علاقمند باشد ثروتمند باشد . رفاه داشته باشد . ولی شما باید منافع تمام را حفظ کنید او هم که خدا بهش داده است و باو هم بگوئید که آقا برو راه مشروع آن را بساز و بیشتر تحصیل کن (صحیح است) این که مانعی ندارد او هم که دیگر غیر از این چیزی نمیخواهد اگر شما تمام مقالات و انتشارات رادیو رادر انحصار خودتان قرار بدهید و از خودتان تعریف کنید اگر شما پشت این تریبون تشریف بیاورید و سایر آقایان وزراء هم از حسن نیت خودشان همگی صحبت بکنند تا تمام این صحبت ها را بکنید تازه باندازه دیناری برای این ملت فایده‌ای ندارد ولی اگر شما یك دینار . یك شاهی از قیمت پارچه وقماش مورد احتیاج زارع بکاهید آنوقت خدمت بمملکت کرده اید (صحیح است) شما اگر بخواهید که این کارها را بکنید من بشما اطمینان میدهم که در ظرف یك هفته دو ثلث این قیمت ها را با اصول اقتصادی میتوانید بکاهید بدون این که ضرری بکنید . (برزین ـ مثل اینکه نجم الملك کرد) (باتمانقلیج ـ آن را هم که نگذاشتید باشد روی کار) (برزین ما نگفتیم برود)(باتمانقلیج ـ خدا لعنتشان بکند آنهائی که گفتند برود) آقایان وزراء دولت مسئول امور است شما میدانید در دستگاه دولت انگلستان وقتی انتخابات میشود هشت نفر وزیر که نمایندند بنشینند یکدفعه صد نفر تقریباً معرفی میشوند یعنی صد پست حساس را دولت جدید در دست دارد . این برای چی است ؟ برای اینست که دولت مسئول مردم است اگر مردم بآن رأی داده اند باید برای مردم کاری انجام دهد چون مسئول است اگر آن دولتی که در ایران باشد بگوید که فلانکس قبلا بوده است ومن مسئول آن نیستم این ها آقا حرف مفت است این ها حرف کودکانه است شما آقای گلشائیان روزی که بر کرسی وزارت دارائی نشستید هر بیشکار مالیه و مامور دارائی را اگر فردا نگهش داشتید شما خواسته اید که باقی مانده است . اگر آمدند گفتند حتماً حسن علی باید بیشکار دارائی باشد شما باید بیائید این جا در پشت این تریبون بگوئید که من این شخص را نمی فرستم (صحیح است) شما آن کسی را بفرستید که باو اطمینان دارید و بدستور شما عمل میکند دیگر نیائید بگوئید که قبلا بوده است و همین مثال برای سایر آقایان وزرا هم هست بهر حال شما نه تنها وزرا بلکه تمام این دستگاهی که بلافاصله زیر دست شما است. شما آقایان بدانید که در نتیجه اقدامات شما درنتیجهٔ تصمیمات شما هر روز صدها هزار ایرانی از روز قبل گرسنه تر و برهنه ترمیشوند (صحیح است) اگر جزئی توجهی ببعضی ازعرایض بشود اگر یك عدالت اجتماعی بسیار معتدلی در اینمملکت بر قرار بشور این مملکت چندین برابر این جمعیت رامیتواند بارفاه وخوشی وسعادت نگاهدارد (صحیح است) آقا شما دراینمملکت اشخاصی که سوخت زمستانیشان را دارند آنهارا میتوانید بشمارید! روی ۱۵ میلیون آن اشخاصی را میتوانید بشمارید که سوخت دارند ! ، چرا ملتفت نمیشوید ؟ شما حق ندارید تصمیمات خودتان را ازمنافع ملت منحرف بکنید وآنکسانیکه پیش ازشما بوده اند حق نداشتند ! روزی این ملت بداد خودش و بخدمت آن آقایان خواهد رسید (نمایندگان ـ صحیح است) من امیدوارهستم که یك روزی این مملکت بتواند بدست یك حکومت صالحی وبدست همین دادگستری ها که اصلاح بشوند ، همین وزارتخانه ها که عیبی هم ندارد همانها را بپیش میز محاکمه میکشند قانون . محکمه که هیچ عیبی ندارد، عبارت که ازاین بهتر نمیشود ولی هیچ عملی نمیشود آقا ! شما بیائید واقعاً انصاف بدهید کدام کالا الان درایران ارزانتر ازشکر است بنسبت گندم بسنجید ، الان یکمن گندم را در تهران چقدر قیمت میگذارید دوتومان ، قیمت یکمن شکر را چقدر میگذارید (یکی ازنمایندگان ـ ۶ تومان) شما میدانید بهترین نفعی که عاید ملت ایران است ونسبت آن بمنفعت ملت ایران تمام میشود یعنی پائین ترین کالا که در ایران داریم همین شکر است ، اما این شکر چرا ارزان است ؟ بهمان دلیل که عرض کردم برای اینکه ملت ایران اختیار داده بشما ونماینده شما میآید این شکر را از بیرون میخرید (فرامرزی ـ یکتومان) از آن جا وارد میکرد خرج تمام مملکت و تمام خرجهای تزئینی خود را ازآن برمیداشتید باوجود این عرضه میکردید دو تومان و میگفتید باین دلیل دیگری هم که میآورد نباید جلوی آنرا هم بگیرید او هم آزاد باشد چه معنی دارد که شما جلوی اورا بگیرید آقا شما بیائید نگاه کنید دقت کنید روزی که نجم الملك آمد اینجا شکر را آزاد کردعمل کردیم دیدیم ۷ـ۸ روز که گذشت من اطلاع پیدا کردم تقریباً در همه جا یا ده شاهی کمتر از نرخ معین قیمت داشت یا بیشتر یا معادل بود در تمام مملکت ایران شما بروید از تمام خانواده های ایران ازهر کجا بپرسید در تمام مملکت آن مرد عمل کرد حالا آن مرد از ذخیره قبلی استفاده کرده بود بجای خودسلف اوراهم تقدیرش میکنیم از این حق قانونی خودش این آخرین استفاده را کرده بود بجای خودش حق هم نداشت برخ ما بکشد این وظیفه او بود بهرحال آقایان محترم امروز وضعیت چه طور است ؟ امروز بانرخ دولتی ٤ قران ٥ قران اختلاف قیمت دارد (معتمد دماوندی ـ اصلا شکر بدون قند بشما نمیدهند) اولا شکر بی قند که نمیدهند ثانیا قیمت شکر شما و شکر آزاد چند ریال تفاوت پیدا کرده نظرم روی جریان کاراست هیچ میدانید برای چه؟ برای این که مگر چقدر مصرف مردم مملکت است در حدود صد هزار تن (دهقان ـ صدو پنجاه هزار تن) عرض من تخمینی است شما به بینید که روزی درهر کیلو ٥ ریال اضافه شود چقدر خواهد شد بآن قیمتی که شما میدهید و آن قیمتی که در بازار است شما ملاحظه کنید این وضع برای چه درست شده برای این است که سوء استفاده دستگاه راهش باز میشود پس این راه را برای همین باز میکنند و این تفاوت قیمت را درست میکنند که تا ازبین تفاوت این دو قیمت استفاده ببرند درصورتی که باید از روز اول جلو این کار را گرفت(صحیح است) اگر جلو این کار را نگیرید من قول میدهم بشما اگر باهمان سیاست های غلط گذشته عمل کنید ۳ ماه دیگر شکر آزاد قیمت آن میشود کیلوئی ٥ تومان من خودم در همین مملکت شکر کیلوئی ده تومان یا هشت تومان خریدم(صحیح است) چه معنی دارد مگر آقایان شما نخریدید یواش یواش بخودتان هم میدهند آقا انصاف بدهید وقتی شکر را به ٥ تومان میرسانند وشما هم جلوگیری نکنید هی شکر کم میشود هی سخت میشود ونایاب میشود تا اینکه توی ده که اصلا شکر نیست توی شهر که اصلا نیست ، توی پایتخت کشور اصلا کم است ، چطور شده است ؟ در دنیا گران شده است ؟ کم شده است ؟ نه والله شکر دردنیا بهمان قیمت ۳٦ لیره است، دردنیا شکرتنی ۳٦ لیره است اگر هم روزی قیمت آن برود بالا ، تفاوت پیدا کند ، یا یك لیره کم میشود یا یك لیره زیاد میشود آنهم تابع بورس دنیا است حرف حساب است ، بورس شان هم بورس است ، یعنی وقتی برای یك چیزی قیمتی معین میشود این امر روی یك اصولی است ، روی یك اصول معتدلی تغییر پیدا میکند و قیمت آن همان ۳٦ لیره است و ملت ایران هم میرود ۲٥ قران میخرد ولی بعد یواش یواش قیمت آن بالا میرود میشود پنج تومان این استفاده را کی میبرد ؟ من میدانم آقای گلشائیان شما میتوانید جلویش را بگیرید اگر شما یك وزیر ضعیفی بودید این مطالب را اینجا نمیگفتم ووقت مجلس وملت را نمی گرفتم (صفوی ـ ولی مجال هم بدهید) من خیال سخنرانی ندارم اینجا من نمیخواهم بی مورد گلوی خودم را درد بیاورم ووقت مملکت را تلف کنم حس میکنم که شما در هرحال در امور این مملکت مؤثر هستید من ازارباب جراید خواهش میکنم که یااین عرایض مرا ننویسند ویا وقتی که مینویسند مطالب را درست بنویسند من خودم میدانم که برای آقایان مشکل است ، اشکال دارد این کار یك کمی ، بعضی از جراید بمن بی لطف هستند چون آگهی ها شان را بنده پیشنهاد کردم گرفتند ولی این راهم یك موقعی توضیح میدهم ، درهرصورت این شکر ازالان تفاوتش شروع شده ، این اول عشق است یعنی درشکر یون این اولش است حالا تفاوت ٥ قران است بعد میشود یك تومان ، بعد میشود دو تومان آنها حوصله دارند

آنهائیکه حوصله دارند خوب حوصله دارند یکماه صبر میکنند، مدتی صبر میکنند روزها میگذرد یك روز صبح که یامیشونه می بینند یکدفعه ٥ ریال رویش میکشند شما ازروزاول جلوی آنرا بگیرید واین عمل رابکنند ارز که در خزانه تان هست ریالش هم فوراً بجیبتان بر میگردد کی جلوتان را گرفته ؟ بیاورید دراین مملکت هر قدر بخواهید بشما میدهند سهمیهٔ شما هم که محدود نیست برای دیگران هم که محدود نیست پس کی جلو شمارا گرفته است غیرازخیانت غیراز چپاول از اموال دولت غیر از غارت (نمایندگان ـ صحیح است) آن وزیری که در اطاق خودش نشسته است و این را میشنودو یا بوده و یك روزی این عمل را کرده بداند که او خائن است (صحیح است) ما امروز با او سلام و علیك میکنیم چرا برای این که ما میدانیم که در اینمملکت چه خبر است اگر قرار باشد که ما سلام و علیك نکنیم باید چه بکنیم ؟ اگر باید سلام و علیك نکنیم باید باخیلی ها سلام و علیك نکنیم (صحیح است) آخر چرا این عمل را میکنید چرا مردم گرسنه وبدبخت ایران را فدای اشخاص میکنید اگر شما خانه میخواهید من موافقم که ملت باید بهمه وزراء خانه بدهد ، بهمه روسا خانه بدهد اتومبیل بدهد بچه هاشان را بمدرسه بفرستد اگر فرنگش دیگر میماند بما ببخشند ولی چه میخواهید از ملت شما که هستید فرض کنید که این چند میلیون هم بثروت شما اضافه شود غیر از این که بثروت شما چند میلیون اضافه شود و وراث شما بخورند چه فایده‌ای دارد من کی میگویم ثروتمندها را باید گرفت یاجلو کسب ثروت را گرفت ثروت از راه مشروع هم بدست می آید (صحیح است) اگر شما حالا بخواهید من راه ثروت را بشما عرض میکنم شما یك نفر نماینده دارید یادولت هستید نماینده تان میشود آقای علاء نمیدانم دیگری یا یکی از آقایان میرود آن جا شکر را میخرد ۳٦ لیره یك تاجر زرنگی میخرد ۳٥ لیره خوب این میشود زرنگی چرا برای این که آنشخص زرنگی کرده است از همین جا شروع میشود بارزان شدن چون ارزان خریده است میآید اینجا ده شاهی ارزانتر میفروشد این منفعت مشروعش است و البته در تمام دنیا تاجر این است کی گفته تاجر یعنی کسی که همدست میشود باصاحب اختیار مردم جان مردم را بگیرد . کجای دنیا همچو چیزی است (برزین ـ این ها جائی هستند محکوم باعدام هستند) ولی افراد آقا تقصیر ندارند ، من هم اگر دریك تجارتخانه‌ای بودم اینطور تجارت میکردم شما را میبندید نه اینکه بگوئید چرا میآیند اینجور میکنند البته میکنند اگر نکند که بشر نیست ، حرص ندارد ، طمع ندارد پس صفات اصلی بشر را ندارد اینکه راجع بشکر . راجع بواردات سروصدا پیداشد که ولایات خراب است ، من عرض کردم از اساس خراب است دولت آقای حکیمی آمد یك قراری گذاشت وگفت ٦٠ درصد واردات مال ولایات و چهل در صد مال تهران این اولا گفتنش آسان است ولی عملش مشکل است ، چون همه تاجرها یاخودشان آمدند این جا یانماینده شان واین کار هم ازروی بیچارگی است ، آقا اگر تاجر رفسنجانی ، کرمانی ، قمی ، واردبیلی را درمحل اجازه سکونت وکار بدهید اصلا چرا پاشود بیاید درطهران ، اصلا در تهران چه خبر است ؟ شما تصور میکنید که این اشخاص برای عیش ونوش آمده اند بطهران اصلا درطهران عیش ونوش نیست فایده‌ای ندارد آمدید اینجا گفتید شصت در صد اگر نگاه داشته بودید . اگر برای همه منظور داشته بودید واز روی حسن نیت عمل کرده بودید بتدریج اثر میکرد واین تاجر نراقی و کاشانی هم درجای خودش می‌نشست و سفارش میداد آقا یك کاری کرده بودند درتصویب نامه ، یك کار خیلی بزرگی کرده بودند . گناهی است که برای اونخواهند بخشید نگفته بود که از این سهمیه‌ای که مملکت ایران دارد و من باید بنام انحصار تجارت بدهم ، بهیچ فردی یاشرکتی بیش از نیم درصد نمیدهم ، گفته بود این سهمیه باید تقسیم بشود ، توزیع بشود نمی‌شود هرچه کامیون باید وارد شود صد در صدش را بدهم بچهار نفر من این سهمیه را نیم درصدش را ممکن است بیك نفر بدهم بعد هم نتیجه اش این است که قرار بوده است لااقل دویست نفر بتوانند از این سهمیه استفاده کنند من مطلع هستم که در هیئت دولت قرار بود لااقل به ۳۰۰ نفر داده بشود . پیشنهاد خود آقا (اشاره بدکتر سجادی) مربوط بیك درصد بود بعد تبدیل شد به نیم درصد ، آقای دکتر سجادی بنظرم آنوقت شما وزیر بودید گفتید نیم در صد این معنایش این بود که اقلا دویست نفر تاجر بتوانند از این سهیمه استفاده بکنند . آقای هژیر که آمدند بآن عبارات و ابیات و آن اشعار و سفسطه ها و بلند خوانی هائی که داشتند و بی اعتنائی هائی که نسبت به تحصیل کرده ها داشتند وقتی که آمدند این جا چکار کردند . انفوش کردند . هر دو را لغو کردند ، هم شصت در صد راوهم نیم درصد . خوب نتیجه چه شد ؟ نتیجه این شد که آن مال ملت را که بنام قانون انحصار در جیبشان بود دادند بچند نفر من بآن چند نفر اعتراض ندارم . ایراد ندارم . آن چند نفر میدانم که راه دیگری برای استفاده خود نداشتند حتی آنها را کم شرافت هم نمیدانم چرا برای این که راه برای آن ها بازاست و استفاده میکنند چرا باید این راه را بست(صفوی ـ چندین صد هزار نفر را از گرسنگی کشتند بی یکی از نمایندگان ـ خودش هم سهیم بوده) بنده عرضی ندارم بنده نمیگویم که آن کابینه را حتماً تا ابد باید نگاهداشت ، من آن تعصب را نداشتم منزل اوهم اصلا نرفتم بشخص اوهم کمال احترام را داشتم ولی من صحبت روی اصول میکنم کابینه بعد نباید بیاید اینجا و بعد برود یك اعلامیه اگر اصادر بکند به امضای معاونی یك کسی یك مطالب چرندی رابگوید که اصلا بریش همه مردم خندیده باشد مردم فهمیده هم بریشش بخندند بیاید حقیقة بگوید که بچه منطق بهمه نباید بدهد و بچند نفر داده بشود منظورم موضوع کشتی هاست البته سفسطه چه میگوید؟ البته میگوید کسی مجهز نیست کسی تقاضا نکرده است آقا تا وقت ندهی کی مجهز می‌شود بنده مجهز بگذارید مجهز بشوم که من هم از این بابت استفاده بکنم (برزین ـ تلگراف میکرد به تجار ولایات) ماهم موکل داریم ماهم حق داریم موکلین ما از این مملکت حق دارند تازه این اثر دیگری هم داشت اثر مهمترش این است که وقتی رقابت زیادشد در مملکت تبانی کم میشود وبنفع مملکت تمام میشود (صحیح است) وروی این کالاها در حقیقت نمیشود قیمت حقیقی گذاشت همه قیمتها مصنوعی است باید ملت ایران بداند که تمام این قیمت ها مصنوعی است در مملکت ایران باستثنای یك کالا های بی معنی مسواك و چیزهای دیگر که چند نماینده رفته بودند آنرا وارد کرده بودند آن هم در یك موقعی تمام این قیمتها مصنوعی است و تمام آنهاهم با شرکت دولت بوده چرا خودتان را از زیر بار مسئولیت خارج میکنید .

۲ـ موقع و دستور جلسه بعد
تعطیل جلسه بعنوان تنفس

رئیس ـ آقای مهندس رضوی یك پیشنهادی رسیده است از آقای باتمانقلیج که عصرهم جلسه باشد و دو پیشنهاد هم رسیده است که جلسه فردا باشد (صحیح است)

بعضی ازنمایندگان ـ جلسه فردا باشد

رئیس ـ آقای باتمانقلیج هم با فردا صبح موافقت بفرمایند ساعت ۸٫۵

(مجلس یکساعت وربع بعدازظهر بعنوان تنفس تعطیل شد)